

بسم سلطانم بواصف نامه كالميرتبه ذوقلوعاين مفتوح
 بر نادراتدن بر كتاب اولو بر و مطالعه اولون كنده نخبه نيز عبرت
 النور وارث داو لنور ان نه عقدا كامله عينا فرجه تبدل انبه
 اصلا اشتباه بو قدر او قنور معلوم وليكن اولو

بسم سلطانم بواصف نامه كالميرتبه ذوقلوعاين مفتوح
 بر نادراتدن بر كتاب اولو بر و مطالعه اولو
 كماله الملك

قرق برياز ادك پيرى
 يري موده برى
 ير جنان ايجنه كيك قوبوب اول مودلرى
 اول جنان ايجنه كيك ديكه بر قنلك محفى
 برده بقا جلدنه بر بجه بقا

MIKROFILM
 Arşiv Nu. : 2029

A

Süleymaniye U Kütüphanesi	
Kisim	Ex.
Yeni Arşiv No	
ESK Kayıt No	2515

اصلا اشتباه
 ۲۵۱۵

اصلا اشتباه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 هذا كتاب آصف نامه تالیف ساسی در هفت هلال ابن ثریا
 مناقب اثنای طریق حج شریف

- بیدارنده جرح معالفا
- خداوند سپهر و ماه و اختر
- جهان انار علم و قدر کدر
- سکر ملک کن پادشاهی
- ایدوب پیوند ایکی حرف قدمه
- جهانی ایله کمرات ذاتک
- سنک امرکله دوندی جرح دوار
- جالکدن الوب بر طعه نور
- هلاله التفاتک اولدی شامل
- جهانی ایلیوب بر مجلس خاص
- بیدارنده جرح معالفا
- ضیای خشنده خورشید انور
- سراسر کون غرق و نعمت کدر
- مسلم ذاتک اطلاق سناهی
- بیدارنده انی کتمه مدن
- کورندی انده اثار صفاتک
- یونیکدن اولدی دیک وار اولدی ناجار
- جهانی روشن ایدی مشعل هوس
- اول اون بی کونده اولدی بدر کامل
- طغوز افلاکی قالدک انده رقاص

اوزمه

هوای کون
 خرمی قلم

- اوزمه مهر اولوب زرتین صراحی
- فلك امرکله اولوب بزیم جنبه
- صاحب اول بزیمه نقل اختراعی
- کلوب شوقکله کمدون وجد و حاله
- سپهری ایلیوب بر نطح تراهی
- دروینده یا قالدن داغ مهرک
- دونرکن آتش عشقکله بی پاک
- ذوات داغ عشقکله رحیلی
- اینرک توزینه اولدی خلی رومال
- یولکده نقد و فتن قلدی ضایع
- سبکی درک ایلمکده اولدی قاص
- مولیده ایتدی عرفانک احراز
- سنی بلماکده سنه کن غیر حیران
- نه قادر دین سوریدی علمدن دم
- هم مجزن ایله یک اسرار بیک انده
- مقارین اولدی لطفکله که محرم
- محیط و مرکز و خط جمله کن کیرا
- بر ایندک اکانجان افروز راجی
- الوب جنگنی کردی فصله ناهیه
- کساد ایتدک سراپا که کشتانی
- کوشن صوندی اکان زرتین بیاله
- ایکی جام ایتدک انده مهر و ماسی
- قراری قالمیوب دوندی سپهرک
- کریبان عجبدر که ایلمی جاک
- بوناره یانیدی اول عقلی کلی
- اثر بولمادی کندن عقل فعال
- نشاندک بولمادی هر کز طبایع
- تکوین بره کله دی عناصر
- اگر چه ماسوادن اولدی ممتاز
- نجه بلیسون کینی بو عاجز انسان
- اگر سن قلمه سک تعلیم و آدم
- خلافتله شرف بولدی بهرمانده
- اودمدن اولدی مستثنای عالم
- بلند و پست و اوسط جمله کن کیرا

انسان بقول غنی
 دم وصف اولمغ و سوا
 حیوانات و نباتات و جمادات
 و علم الاسما و آدم کلها الایه
 انا جعلناک خلقه فی الارض الایه
 ولقد خلقنا الانسان

ایشان را معارف آن حق معرفت

جو او صاف کرده بن بنده قاصر • او مید اولدر که عونک اوله ناصر
مناجات بدکاره قاضی الحاجات مهم
خداوند اکناهه استدم اقرار • کنه کارم کنه کارم کنه کارم
قولم دائم قولک کاری خطا در • خداوندیک ایشی عفو و عطا در
کرجه غصه دن نر مسارم • ولی الطافکه او مید وارم
کدای خوشه جنم خرمکندن • او میدم دکنی کتم دامکندن
ندکلو ایله سه سهوتقلید • حبیبک هم منجیون اینه نومیده
دکلم لایق از رد و قبوله • بغشله جرمیمی روح رسول
در نعت حضرت سلطان کونین و رسول الثقلین صلوات الله تعالی علیهم

وستم

شفیع المذنبین بنده سایی • که عمری کجی بوفلا و اولدی
رسول بطی مکی ترهای • گروه مرسله صد ری امای
کنین انبیا اول کوه پلا • که شاننده دیدیک لولای لولای
او فخر آدم و اولاد آدم • وجودی باعث ایجاد عالم
گروه مرسلینک بنشواسی • سرافرازی امای مقنداسی
تسم ناروجنت فخر کونین • سرنشاهه سیرقاب قوشین
بهین سوزنشین ای مع الله • سپهر سالاری ادعواکم الی الله

نخستین

ط یعنی لولای ما خلقت الاعداد

نخستین موج دریا بی حقیقت • کزید در یکنای حقیقت
سریر اصطفای ارامکاهی • بر روح الامین جابرب راهی
حقایق کنه ذاتیله ماول • غلام کزنی عقل اول
قد و میلله مشرق عزتعالا • کدرکاهی براتی جرح و الا
فلک دیوانه ماه کمالی • ملکه پروانه شمع جمالی
وجود اقلیمک اولدر امیری • گروه مجرمک دستیکری
نضروع و ابتهال ما بستان رسول ذو الجلال و منقبت

چار یار

شفیع المذنبین بنده سایی • که عمری کجی غفلتله تمای
او میدی فالدی فوز و نجاهه • هدایت قبل انی راه صلاحه
النده یوق عملدن جون بضاعت • شفاعت یار رسول الله شفاعت
مریض جرمه در مان سنگه • اسیر نفسیه راحان سنگه
نجه دمه اسیر ما سوادری • رهین آرزو محکوم هوادری
کمال شفقتکله ایله سروری • قومه دکنی عناده زار و نجوری
هدایت ایلوب سمت سواده • توفیق قبل انی راه برشاده
بحق چار یاره بافتوت • چهار ارکان دیوان نبوت
نخستین حضرت بوبکر صدیق • کیم اولدر مقتدای اهل تحقیق

نخستین

از بوزن باغ کبریا

انسان بنظرمین نامی انشین اذهانی الغار

فاروق ای بیفوق بی الحق والباطل

بهر آرنده وصفه کبیر جامع معانی

شیر حق یحیی اسد الله

کتب آریسلان معانی

درگاه قیوم معانی

و صد کتبین ایلد داماده

عنوان دیاجه معانی

- که حقنده دیدی خلاقم کونین
- شب هجرتده اولوب یار غاریک
- ابکنی حضرت فاروق عادل
- اوکان معدلت اول بحر عرفان
- اوزادب دست پاکین قلدی ایزدوی
- سولم کان حیا عثمان عفان
- حیا سندن حجاب ایدوب ملکر
- چهارم شیر حق ساقی کونتر
- ایدن هر دمده اظهار عجایب
- بزیر آرنده درگاه حیدر
- الهی بو کرام نوع انسان
- خدا یا بونلرک یادی حقون
- شه اسلامک اول یاری ظهیری
- در ستایش پادشاه اسلام **حکد الله خلافتنه الی یوم**

القیام

- کلای نورد قلم ای نخل اعجاز
- شنه والانسب سلطان عادل
- ثنا کتبینی شاهه ایلکه آغاز
- که لطفی اولدی خاص و عامه شامل

سرافراز

کتابت

- سرافراز سر بری بختیار ی
- نریمان هببت و رسم صلابت
- یکانه خسرو او بر نیک شاهی
- جهان باشدن باشه زیر نیکینی
- حصار آهنین اهل اسلام
- ملوک کاک فرستان خاکساری
- تاتار اقلیمینه بر بنده سی خان
- اولوب دستنده تیغی شمر باری
- سیم سیلابند سده دیدی
- خدا حفظ ایلسون ذاتن خطردن
- جهانی حرم التسون عدل دادی
- بو شاهک سایه سنده بر بهاران
- دنز اصحابی اظهار معارف
- سنی دست و پا طفل رضاعه
- تقاضا ایددی طبع نکهت پرور
- دیدم خوش لیک بود ستمده مایه
- در محذوم عالی بی کد ایست
- جهان افروز شهر و شهر باری
- سکنه حشمت و دایر ادراایت
- میرز بنده صاحب کلاهی
- شنه ایران غلام کترینی
- قضا و مبترم عباد اصنام
- قزیل المایدک فرمائی جاری
- بری دخی دیار مصره سلطان
- کیم اولدر دین اسلامک حصار ی
- شهر قننه نک آهن کلیدی
- صیبر پاکینی کرد کدر دن
- مرادی اوزره اولسون هر مرادی
- که بولشدی رواجن علم و عرفان
- ایدوب المنور یلر نیجه وظایف
- که دستمه عرفان دن بضاعه
- که سنده برهنر وار ایسه کویستر
- که دولت فرقم اوزره صالحه سایه
- نه نسیلر ایره دامانینه دست

کسر اولوب کسره ایله شنه نیکایه

اور نیک نخت شاهی

میرم ضمیم کونر با ایله قطعی لایم

فصل بیستم و بیست و یکم

بضاعه سوکام

قتی قطره قتی در بای عمان • • • • • قتی ذره قتی خورشید تابان
 دیدی جوق سوبله لطف شانه • • • • • ارا پرده کرد آینه بد بهانه
 دیم عرفان ایله اول غیره فایقی • • • • • همان اول بر نگاه لطفه لایق
 اشتم بر عجز نیک اطوار • • • • • مه کنعان اولنده زیب بازار
 اوزین هم شتر یلردن ایدو فرض • • • • • تنیده رسمان ایلمش عرض
 ملخ پایینی مورنی سرو پا • • • • • سلیمان حضرتینه قلای اهدا
 ایدر بر برد پیزی تخم درویش • • • • • جوق نقد و قتی اولد زنی کم و بیش
 همان کند اخی ای شوریده احوال • • • • • الیه بر برد سبز آل همجو ابدال
 یوزون سورد که صدر زمانه • • • • • که دستی طعن ایدر دریا و کانه
 ایدوب بنده کلای طبعی اصفا • • • • • نوابه باشلام مانند بیغا
 بولوب ویرانه خاطرده بر کنج • • • • • همان نظم ایلوب اولدم کمر کنج
 الوب دسته فی معجز بیانی • • • • • کتوردم نظمه بونود استانی
 جو او صافیند اول صدر انانک • • • • • خودم نامینی اصف نامه انک
 الوب کلدم در دولت مآب • • • • • که سنک طعن مور زنی قیاب
 در دولت سرای مدراجم • • • • • ندیم بزم خاص شاه عالم
 مصاحب مصطفی پاشای اعدل • • • • • نظام الملک ثانی عقل اول
 وزیر بی نظیر پادشاه مشرب • • • • • خریدون خشم و کباره موکب

سعادت

۱ کنگان حضرت یوسف علیہ السلام
 ۲ نینده او بر بند
 ۳ سلیمان ایدر ایا بونده
 ۴ ریشه مضامینه
 ۵ نملک جادوت بر جل جبراد
 ۶ بزرگ سبز یعنی هدیه خفیه
 ۷ بنیای یعنی طوی
 ۸ اصف نامه اسم هر ساله و معراج
 ۹ مصاحب پاشا
 ۱۰ قیاب یعنی اساتما
 ۱۱ نظام الملک یعنی وزیر تاری
 ۱۲ کربنده هر کس کافیه در عسکر
 ۱۳ بونده فتحیه ایدر

سعادت آیتی شاننده منزل • • • • • یاننده طفل ایجه عقل اول
 کلای روح بخش مرده غم • • • • • دی همالت عیسی و مریم
 کرم مزدور دست ذرفشانی • • • • • قضا نامور تیغ خونگامانی
 قیومی قبله ارباب حاجات • • • • • نیاز اهلی طوروب ایل مناجات
 زخلف قصر جلای پاسبانی • • • • • فلاک اوج کمالی نردوبانی
 اولور بزمنده بر جیس نغزانی • • • • • نوابی مدحتی و برد زبانی
 قبول کج دی جوق طوبدی ارام • • • • • سلحشور اولغده باینده بهرام
 اولوب آینه داری مهر تابان • • • • • جهان روی اقبالی تمایان
 قد حکاران بزنی ماه خورشید • • • • • حر مکاهنده بر سازنده ناهید
 دبیر اولماغه دیواننده تدبیر • • • • • ایدوب خلی جالشدی اولمدی تیر
 سرای قدر و جاهی شویله عالی • • • • • که جرج اطلس انده ساده خالی
 کتورمش غیرت بزنی جنانی • • • • • مه و مهر اوطنش ایکی شمعو ای
 هلیشنه یا قفنه اول بزمنه غیر • • • • • مه ایله مرری کردون آندی مجمر
 ملکوبنه سپهر و اخترانی • • • • • سمنده غرمنک بر کستوانی
 قمر در سیمون بر طبلبازی • • • • • کونش بویشنده بر زریں قطاری
 اوکنده یه یلور بر نینج قانون • • • • • بدی اعلا یه کدریدی کردون
 دکل مهر و مه آندی اکادورکان • • • • • مهیا سیم و زردن ایکی قلغان

۱ نزد یعنی اصبر
 ۲ قضا نامور از جانب آبی نای
 ۳ یعنی دعا و دولتمین ایل
 ۴ بر جیس یعنی مشتری
 ۵ م بهرام یعنی مرزنج
 ۶ اهدیه یعنی زهره
 ۷ دیر یعنی کاتب
 ۸ تیر یعنی عطار
 ۹ ان
 ۱۰ یعنی نوری سر آینه او سر
 ۱۱ برکت نوابی یعنی کجیم
 ۱۲ بر نینج یعنی طریقی و رسم
 ۱۳ قطار یعنی خوطاسی دی کلمه

نگاه استسه تبدل احوال • ایدر فقری غنا ادباری اقبال
 اجل پیکان تیرنده زلفه • فراغت سایه تیغنده خفته
 فنا موقوف شمشیر نگاه • سعادت سایه پر کلاه
 النده تیغی یابرق بلادر • یابا لایه جگمشی از دهادر
 تعالی الله ندر بوقطره آب • کیم اولدی ملکت اعلایه سیلاب
 تدم کم اتیدی ره قانده اجالم • شفق ایجره نینه اولور هلاله
 کمان بکزدن ابروی یاره • نر بلسوف جگمشی عمرنده یاره
 اوزیرین تخش مان قوس و فرخه • یازهره آبیله مملو بر قد حده
 همان دوشمن دکلی سهم جدنگی • زره پوش اتیدی در یاده نهنگی
 شب خون تیز سر کوسترسه قامت • اولور خصمه جهان روز قیامت
 سنان رخنک طونی مه بدر • سواد پر جمی ایسه لیله القدر
 کورن دیرانی کرکسه قیامه • پریشان زلف میل ایسه خرامه
 کتوردی شوقه قیسی اهترازه • یالیلی باشادی رفتار و نازه
 ندر اول خانه غیر فشانی • کیم اولدی کشته سی برزاد و مانی
 اگر اطلاق ایدر سه اکا انسان • و واد لوله مرچشمه جان
 کیم اولوب مقسم ارزاق عالم • نمندن اولدی باغ جود و حرم
 یددی بیضاده اول مغر عصادر • که خصمه عون و خصمه از دهادر

سزادر

کلاه بغنی تیاره او کلاه
 و کمان شمشیر او کمان

سوز او کلاه
 حذک فارسی
 دمرنر او کلاه
 استعمال ایله او کلاه

ط سنان
 ط سنان
 ط سنان
 ط سنان

برجه نراق
 سیاه طوی

نایز و خدا صیون
 معانیه نسبه
 اصلی نام اینر دور

سزادر در سم اکا خضه اخضر • کیم اولدی زیر پای عنبر قر
 کلوب کورسون بو کلک عطر سالی پی • شوکم افکار ایدر نهر طلا پی
 بودر اول لوله کبریت احمر • کیم ایلمر سیم خای زر جعفر
 بنا میزد ندر اول خط زیبا • کا ولور اشفته سی کیسوی حور
 کوروب اول خطی ارغون اولدی • هم این مقله نیک دستی شکسته
 رفاع اهل خط اولوب عنباری • حجابندن یره کی دی حصاری
 بوندک تلتی قدر بولسیدی کر سنج • خط اولدی شینک تا ابد سنخ
 ایدر لعلیله کر تویج ریحان • ایدر یاقوت انی قوت مرجان
 الوب زیرین قلم کر قلعه تحریر • دیلمر اوله مکاتب بنده سی میر
 ایدن خطیله خط میری تطبیق • محاله ایلمنی امرینی تعلیق
 صورت کتاب دیوان جلدی • که خطی میردن بید قات علی در
 انک بر سطر ایلمر سه بر التون • بوندک بر سطر ایلمر مردی قارون
 ندر نام خدا اول طبع موزون • کیم اولدی هم کلامی در مکنون
 ندر اول فتم تیز ولیجه پاک • کیم اولدی بنده سی ارباب ادراک
 ضمیر پاک خورشید انجلادر • همانا لوح محفوظ خدادی
 نمایان انده نقش عالم غیب • اولور الرهام اکا اسرار لاریب
 دل نقادی مرآت الصفا در • بنی نوع بشر دن مصطفی در

بعضی خالصی علی و غیر
 کمال خط ایله
 این مقله نسبه قلمک
 کوفیدن نسبه اختراع
 ارفع رقوم دیده کای نسبه
 اوسا بنده بر معقول باز نسبه
 عنباری معلوم حصاری و بدی
 قله حصاری خطاط در
 تعلیقه او سزادر خطی
 نوقیح صی دیوان ریحان
 بوندک تلتی بر نوقیح

خوشا عالمده اول مرد گزیده • کیم اندي جميع اخلاق حميده
 شجاعه کرمله نام الدي • جهانده کام و پردي کام الدي
 بر اقرب کذ في صفة اولدي شعاري • قیوب امساکي جود اولدي ديار ي
 ابکی عالمده قالدي نایم باقی • بهشت اولدي يري يوم التلافي
 جهانده کلدي نجه یوز بیک آدم • کرمله اکیلور اما که حاتم
 اوندي بل نجه صاحب قرانی • اکار لر عده لیله نونش الروانی
 کریم اهلنه چونکه اولدي قایه • اکیلور دائما معن ابن زاید
 اکلم کندي یوز بیک یز میکیل • بوکون ضرب المثلده بر میکیل
 جهان عبرتسرای بی وفادر • همیشه عادی جور جفادر
 ابشیت بو نقلی انا کرمه • مروت نجه در اهل همده
 در کفتارم ایت او نزه کوشی • سزادر کوشی جان بویله منکوشی
 ابشیت بوسر کذشت دلفریبی • دخی فتمنده اسرار عجیبي

عن نصیلي حکایات عجیبه ویرا وایات غریبه

یدی کیمه کفتار بلاد • رفیق اولدق دیار ک بلاد
 قوم حالده اراده مروان • قوم صحرانوردور اه بویان
 قوم هرند هم نی پشی و نی کم • قوم طبع هم همچون طفل توام
 قوم کینه سی بی غل و بی غشی • موافق جمله مزجون تیر تر کشی

روز قیامت

بر کلمه مفاصحه

محبت

محبت پشته باران موافق • صفا اندیشه همچون صبح صادق
 سیاحت ارزویی دوشدی جان • قفس اولدي وطن زندان خان
 طواف کعبه و پر دق قراری • اوسودا الدي الدن اختیار ی
 او ثوقیله ایدوب هامون نوردی • دلیل بر اه قلدق اه سردی
 توجه ایلوب صحرا به نجه • کتور دیک خاطر ناشادی وجهه
 کمر نغمه سکه شعر و انشا • نکاهی ایلدک وقف تاشا
 بود و قیلد کیه رکن بی تالم • طریق مستقیم ایشوز کم
 کز رکن گاه خرم گاه مخزون • نمایان اولدي ناکه بر مخزون
 دوشوب اول بری بی پایان عشق • طوشدق آتش سوزان عشق
 نه بر صحرای محتر دن نشانه • بوکه نسبتله دوزخ تابخانه
 نه بر کم عیبریدی چشم کریان • شکاف دایمی چاک کریان
 هوای ساحه سی اه جگر سوز • نقاط شبنمی داغ دل افروز
 صرارش ارغوانی همچو خیزی • عطار ورد نسری ز بربری
 کل و ریحانی هب خار مغلان • دودای ایسه غول بیابان
 هواسی اولقدردی آتشی انگیز • که نخل طور ایدی هر خار نوحیز
 ابر شمش کرد بادی جمع دونه • ستون اولمش بو چتر نیلکونه
 مومنده کباب اولور جگر ل • عبا رندن عیان اولور شر ل

طریق مستقیم ایشوز کم
 نمایان اولدي ناکه بر مخزون
 عطار ورد نسری ز بربری
 کل و ریحانی هب خار مغلان
 که نخل طور ایدی هر خار نوحیز
 ستون اولمش بو چتر نیلکونه
 عبا رندن عیان اولور شر ل

شغال و روبر و شیري جواري • دونه هر طرف خود کمازي
 تموج ایتده برید روانی • هموا جذب ایلمکه اهوایی
 محصل ابی اوج کون اول اراده • کذب حیران و مد هوش ساده
 جفادن میلن قالمی جان • اوده جفاغه استر بهانه
 نه راه نه مهر نه قطره آب • نه پای حبت وجوده نه قوت و تاب
 شود کلوا ولدی مستولی حرارت • که اقلیم وجودی قلدی غارت
 قدم فرسوده اولدی خار و خردن • علول ظاهر اولدی هر نفسدن
 هوا بر مرتبه اولدی سرر بار • که یاندی باشیم ده تاج و دستار
 حرارت الدی بیرون و درونی • فراموش ایلمدی سیر و سکونی
 حکم نشنه لکدن آب اولدی • هر آردن نظر بی تاب اولدی
 بر ازده صومانونب موج سراسی • بتور دیک غایتینه اضطراری
 در عیشک بولنمایوب کلیدی • همان آل و پردی پاس و نا او میدی
 میسر او میلوب بر قطره آب • دو شوب هر بر نمی بر مرده بی تاب
 وداع ایدوب حیات مستعاره • رضا و پردیک قضای کر دکاره
 بشیم و پردی جان بی ایلمدن • خیر دار اولدق بی تاب ایلمدن
 جهانک حاصلی اندوه و غم • خوشا اولکم یری ملک عدل
 ایکنم دو شغور بی تاب و بهوش • مغیلا ن سایه سنده مسرود هوش

قضا

قضا را بخدیانه برهنور • دی جان بخش و نطقی روح پرور
 عرب و بیکسک پشت و پناهی • فتوت بر جنک تابنده ماهی
 کرم اقلیمینک صاحب سریری • مروت خیلنک مرد دلیری
 کفی وادی احسانک فراتی • سوزی دل نشنه نک آب و خیاتی
 دمندن گلستان جود پرتم • حضورنی ریر پای سبز و خرم
 مروت معدنی بر مرد دانا • که نامیدی **جلال ابن ثریا**
 وجودی حسن و حسنا ایله معور • وی بر دیده سی اولمشیدی پی نور
 مکمل اول کون بر او شتر ایلیوب کیم • بحار غیری ایدوب تلاطم
 عزیمت ایدوب انی حبت و جویه • طریق ناگهان او غرار او سویه
 که بر لاند زار نا توانوز • زمینتی خشکده برد و خزانوز
 کذوب هر سویه ایلمکن نظاره • کورندی اول بیچاره و خواره
 سوروب جماره کن اول مرد هشیار • ایر شندی باشنه بند ایدی اضمار
 زمامه نایقه الوب الینه • روح جوع اتکلده ایکن منزلیینه
 کتورشی انی تقدر الهی • اورایه کاوش انده تباهی
 کور کیم بر بنجه بید سرتوی بی • فنا جامیله اولمش مست و رسوا
 دو شوب خاک مذلت اوزره بهوش • غمی دنیا به فلش فراموش
 ترقم ایلیوب اول مرد کامل • زلزلدن اولور فی الحال نازیل

بعضی جملات و نایقه ایلمه
 دوه اولدی
 کلامی دوه اولدی

عقال ایدوب همان پای بعبری • کاوله افتاده کانک دستگیری
 کزوب بوقلمون افتاده کافی • که ساید برینک وار اوله جانی
 کوررم بشیم دانی تا نیر کرما • شود کلوطی ایدوب انفس مہرا
 کہ دکنہ کبک دستنی الدی • هاندم ساعوی دستندہ قالدی
 وی ایکنزہ اولوب ملاقی • کوررم بر رمق وار بزده باقی
 همان در کار اولوب مردھنور • جو ابر رحمت اولدی سایہ کستر
 مکر و ارایدی بر پر خیک آبی • کہ ایلدی خجل بیک شہرہ نابی
 جقاروب خیکنی دولدوردی جامہ • هلالین جفت ایدوب ساه تمامہ
 لبان خشکم تر قالدی اول • کہ یابشملدی مانند جدول
 پس اندن ایدوب انی تقطیر • علاج ایتماکہ قلدی حسن تدبیر
 عروق خشک جونکم آب کلدی • سن درد آرمایہ تاب کلدی
 همان باشی قالدی پروب خواب عدمدن • نیزه صواستہ بیک اول پر کم مدن
 جو بلدیکم و بر رسد بردخی آب • خراب ایلر بنای عمری سیلاب
 همان نہان ایدوب اول خیک آبی • کمالی لطفیلہ و پردی جوایی
 کہ ایدل تشنہ کان کینہ پرتاب • دو کندی قالدی ظفر فہدہ کی آب
 وی آرام ایدیک تلافی • صاعم بونا فودن بر شیروصافی
 ہم ایدہ آتشی کر مایہ تکین • ہم اولہ کام جام انکلاہ شیرین

عقال کسری ایدوب و نیک
 باغبیہ در کسری

خیار کسری خاییدہ طلوم
 مغنیہ

طاب بونڈہ طاوت و لطافت
 مغنیہ

طاب بونڈہ طاوت
 مغنیہ

براز

براز چون دفع اوله سزدن ضرورت • کله اول قوت ایلہ اعصابہ قوت
 سوار لیدم سزی بوباد پایہ • رفیق اولوب سزہ مانند سایہ
 اولالم عازم برہ سلامت • قیلا سز بزدہ بر مدت اقامت
 سیزہ کوز پردہ کندہ ایلوب جا • عبودتیندہ اولایم بندہ برہا
 نولہ مہمان اولوب بر دم کر مدن • نولہ رفع انسکوز خالک قہ مدن
 نہ خوشی دیشی بونی اولرد همت • اوه مہماننی قلدوقدہ دعوت
 کوشی یوزلم اگر قلمن سکوز عار • مشرف اوله جو بر کولکہ لکوار
 بودم کم آتشی خورشیدہ تایان • کبجہ خاک ترندہ اولدی پنهان
 جمالین ما قلوب مہر جہانتاب • بو بحر نبلکونہ قلدی بر تاب
 ستارہ خیلنہ اولوب قہ شاه • دیار شای سنیم ایدی ناکاہ
 جلوب دیوشبک فرقیہ آره • نمایان اولدی شہراہ مجرہ
 کر کدر ایتیموب بر لحظہ تاخیر • قلاوز قصد غمخانیلہ شبکیر
 عطش دن غم بیک اللہم وار • یول اوزرہ بر یکی اوج جاہنم وار
 کہ طعمی طعن ایدر آب و فراتہ • برادم کجنور عین الحیاتہ
 لب شیرین ایلہ ایدوب شکر خندہ • ایدردی نطقنی ہنیرہ قند
 قلوب درد درونہ جارہ سازی • ایدردی ہر نفس بردلنوازی
 ایدوب بر کاسہ جوسنی در دست • برندہ دوردی ہجر ایشتر متہ

صاغوب اول ناقه دن شیری مصفا • براز مزج ایلوب انکار خرمایا •
 کلوب شیرانه صوندی جام شیری • بزنی الطافند قلدی اسیری •
 الوب نوش ایلدیک ایکی برادر • تمامی کاسری چون شیر مادی •
 هاند مجان شیرین تازه لندی • وجود اجزاسی مان شیرازه لندی •
 دیدک ای مرد میدان فتوت • یکانه کوهی بحر مروت •
 ایاکان کرم با احسن الناس • یقین یا خضر سین یا خود الیاس •
 ایکن بر نغده قلدی اکیا • مسیحا مسیحا مسیحا •
 دم شیرینکه جانل فدادر • سکا جان بخش در لسه روادری •
 سکا حاتم در ایدیک لید حاتم • سنک کیسی اولوری عیسوی دم •
 نه ممکن ایلدک الطافک احصا • کرم قبل نام پاک ایله اعطا •
 دیدی سزیم ایدرک اول بدر کما • بکادر **هلال ابن تریا** •
 نه خاتم بن که ایدم مرده اکیا • نه مکینم کا اول نامیم مسیحا •
 سینه اول خالق بیجون اکی • بوراده قلیوب موتی مقدر •
 بقیه واریش جون آب ودانه • بزنی قلدی اراده بر برانه •
 بو اشتر برده بر قید اولدی • که سیز لر بزکایه صیده اولدی •
 محمد انتم حدیث شر حقا • که قلدی بن قولین سزی اعطا •
 اولد بر نجه مدت مرمانم • فدا ایدم سینه مال ایله جانم •

آزان

آزان پس اول ایکی صحرانوردی • کنوردی پشگاه بیزه ووردی •
 نه دکلودیدیک اول در غمینه • یوزین سن سوار اول بیز برینه •
 قسم انیدی جنابه کبریا • بر سول پاک کوه مصطفی •
 که ابرام ایلدک بوندن زیاده • **هلال ابن تریا** م بوفناده •
 عزیمت ایلر و سوی دیاره • که باعث در بیزه بو افتخاره •
 سوار اولدی قهقان بروفق زمان • حیات و فرقه خندان و کریان •
 هلال نامور اصلنده اول جین • جو بیله یکم حرارت بولدی تکین •
 جقاروب خیکه آب و قلدی سلیم • کچن انکار یک اصلین قلدی نفیم •
 دخی نه وارسه کندیکه نواله • بیزه تعیین ایدوب قلدی حواله •
 کیجه تا صبح اولنج ایلوب حدی • دلیل بر اهنه دم اختر جدی •

صفت خط نجد که وادی مجنوندر

جو کلدی ناقه لر حدی ایله وجهه • صباح اولدوقده ایدیک حدی •
 نه نجد آب عذار هفت کشور • هوای دلکناسی روح پرور •
 کبابی زعفران خاشاک سنبل • خسر و خاری بار جان بیک •
 اجلمش هر طرف شمش و خزای • معطل ایتمده بوی مشای •
 صویه کونز زمینی مزج اخضر • نسیمی مسک اذ فرخاکی عنبر •
 هواسی نشوه بخشو حاله انکیز • زمین پاک جنت کبی کلخیز •

انورده سینه بر اوچی دیکه •
 حکم بیزه مراد ووه دیگانه •
 کهن بیزه مراد ووه دیگانه •

نهمین زیاده بیکو •

حیات مصراغده صفت •
 لغت و نشواری •

حیات مصراغده صفت •
 لغت و نشواری •

حیات مصراغده صفت •
 لغت و نشواری •

حیات مصراغده صفت •
 لغت و نشواری •

حیات مصراغده صفت •
 لغت و نشواری •

مهيا ايلوب اون ايكي خانه ••• نه خانه هر بري بر آستانه
 قلوب هر بري بر ماهه منزله ••• جواهر خاندان قلم دي نازيل
 الوب هر برينه بر خوب دختر ••• قرين ايتندي هر ماهه بر اختر
 وجوده كلشي انلدنده اولاد ••• دل ابائي قلم دي اباد
 اودكلو سله اولندي فراهم ••• كه در لر دي اكانا في آدم
 شكار ايتك ايد دي هر روز كاري ••• شكار ايله كچر دي هر روز كاري
 براتوب كردن خدامه قيدي ••• شعار ايتندي صبح و شام صيدي
 شكار ايتكده ايد دي هر نهاري ••• ظلم و جور و ضني و جباري
 محصل ايلش اول حقي بيجون ••• اني انواع احسانده ممنون
 شودكلو اكا ال و بر مشدي دنيا ••• كه بر نقصاني قلام مشدي قطعا
 اودكلو جميع ايدوب اموال بوند ••• كه بر نشي دكل دي ارزو مند
 عرض بري جواول مرد يكانه ••• چون ايتدي جانشين صدر خان
 بيوردي تاكله مبدانه خوانلر ••• مرادين اله اندن مير همانلر
 جكلدي نجه دور لو نعت و نان ••• اولوب جدي و حمل ارايش خوان
 جكلدي نجه قصعه شير و خورما ••• نجه قصعه دني روغن مصفا
 نجه اهوره روغن برشته ••• كباب و قليه و تنماج و برشته
 جكلدي نجه دور لو مطحن مرغ و ماهي ••• جكلدي بندي رفع اولدي كاهي
 دوشندي

۱ ظلم و جور و ضني و جباري
 ۲ ضني جبارانه در لر
 ۳ جهور زخي حيران
 ۴ باور و سینه در لر
 ۵ جباري توي طوق
 ۶ فصحه اغاج
 ۷ مطحن قلیه در لر
 ۸ هر نه اولور

دوشندي خوان ايله چون صحن خانه ••• صلا اولدي كوره ميرمانه
 جد ايزدن فراوان ميرماني ••• و ايد دي هندي اعراق بياني
 ايدوب هب كرد خواني اوزره ارام ••• مرادي اوزره الدي هر كشي كام
 بر اشتر ايلوب هر كجه قربان ••• اگر ناكه كله بر تازه ميرمان
 بو اوسلوب اوزره اولندي مداري ••• بو حال ايله كچر دي هر روز كاري

بيان قواعد عربان

بو ايد دي اول دباريك دئب و شاني ••• بر ينك كلسه كبر ميرماني
 تمام اوج كون كجه تا اوليه ماري ••• مسافردن سوال ايتك ايد دي عاري
 بو ايد دي اول كرامه رسم و عادت ••• جواوله منقضي حد ضيافت

سؤال ميزبان از ميرمانان

او چني كون دوروب ميرمانه فرستو ••• نه عاشق دوره جانانه فرستو
 تحيات و دعادان صكره لينا ••• در ايدكم الينا ام علينا
 عجب ماضي من يا بونده سن حال ••• بيان ايله نه يوزدند رسكا حال
 مجاورسك هم ايله انرها ••• كه اوله توشنه راهدك ميرميا
 هلال نامور برداب و جاري ••• ايدوب خدمت مقامنده قراري
 ديدي اي ميرماناني كرامي ••• فدا اولسون سينره وارم تماي
 نه يردن سز نه كلز اريك كل سز ••• ندر مقصده نه شاخك بلبلي سز

هفت اینک اجلسون پرده راز • اولالم راست دن مرغوله پرواز
 ندن دوشدی بواهندک مخالف • بوسوز و سازه آیانیدی سالف

جواب دادن میهمان

دیدیک برنجه بی برک و نوایوز • صفعتا قده اهل هوایوز
 الو بر آشنا بوین صبادن • صونیدق کل کی جقدن قبادن
 قبول ایدوب ره دردو بلایی • ضروری ترک قلدق کر بلایی
 هوایه کعبه صالیدی جان آتشی • دماغ اولدی اوسودان مشوش
 دمادم آقیدوب زرم کی باش • محروشی کینه به باصدیق قره طاش
 عراق اولدی سرشوریده تینک • همان اولدق حمازه راست اهنک
 اودم اولدی کذره بر مجنون • ذمانه ایندی احوالی دیگر کون
 اگر سن اولمیدیک سایه افکن • بیره ملکه عدم اولمشدی مسکن
 جو بزدن ماجرایه ایلدیک کوش • همان دم بحر لطفی ایلوب جوش

نوازش کردن میهمانرا

دیدي اول کعبه علیا حقیقون • صفا و مروه و بطمی حقیقون
 سزه بونده بودم یوقه اجازت • مکر کم بوله کر ما حد و غایت
 بر ایام ایده لم سیر و شکاری • اونتمق جون جفای روزکاری
 اودم کیم ایلرینه اوان کعبه • سیزی ایصال ایدم اوج کونده شعبه

جو منز لکاه

شکایت از روزگار و کسرتش ناخوار

جو منز لکاه اوله شعبه بمانی • میتسدر طوافه کامرانی
 نه کله ایده لم برنجه کون دم • مهیادو مطالب جگمکر غم

اداره کلام

بزی جون اول هلال عبه همت • مجاور ایلدی برنجه مدت
 صوحی ایلوب ذوق و شکاری • ایدر دیک خیمه ده نصف نهار
 دم کر ما فراهم اولوب احباب • هلالک یا نینه کر شینج کر شاب
 ایدوب کونده بری بر ناله قربان • ایدر دی دور لونعت زبور خوان
 کجه هم بجمع اولوب اهالی • میانه هاله وش الو هلالی
 نجوم اسا اولور لر شمعنه جمع • کمی اولوب زبان کیمی اولور سمع
 اوقنوب دائما پاکیزه اشعار • اولور دی نقل مجلس در گفتار
 کهی سربلند بر وب عود و ربابی • سالور لردی درونه پیچ و تابی
 معنی لرا اولوب که نغمه پرواز • قونشردی بر باب و عوده اواز
 بودوق ایلد کجه نایمه شب • بری خواب اینیوب بیدار ایدی صعب
 پر حال اوزره اولوب اونای مجاور • صفا ایندیک بلا تشویش و خاطر

شکایت از روزگار و کسرتش ناخوار

اول اثنالرده بر شب نیز احباب • بریشان اولدیلر تا ایده لر خواب
 هلال نامدار پاک مایه • جگوب روین پس ابر خفا یله

شکایت از روزگار و کسرتش ناخوار

ط
ماتر اکتیجی
مغنا سینه در

مساخدن اولوب خواهان دستور • و برای پرده ده اولادی سوز
 حرم گاه واروب بعد از اجازت • ایدردی پرتنده استراحت
 رفیقله قالب مقعدده بن فرد • ایکی ی خانقاه و ایکی هم در
 بنیاد ایلدی اول سرگذشتی • او باد کیمی اول خونخواره دشتی
 او وادی غم و کرب و بلائی • که تذکیر ایدردی کر بلای
 ایدرکن اول سباق اوزره ترم • اوزاندی برشته حرز و تکلم
 ایدوب سر رشته حزن و ملوکی • رفیق ایددی اولدم برالفضولی
 دیدی ایاندر بو حاله باعث • کیم اولدق مزج خرمانه حارث
 ایدرکن نوع مردم عیش و عشرت • بنزه اندوه و محنت اوله حسرت
 جهان خلقی سر بر غرق نعمت • نصیب اوله بنزه در درد مشقت
 بقه بو سیزبان چشم کوری • نه خوشی جمیع اتمش اسبابه خضوری
 نه خوشی قلمش کایوزال دنیا • معاش اسبابی جمله مرسیا
 بود کلوتالی و ملک بو نوج فرزند • بود کلواتی باه خویشی فرزند
 جهاندا جگه من کو با جفا من • همیشه کور مرده ذوق و صفاس
 مرادی اوزره دنیا دن الو بکام • تنعم کجور مکره سر انجام
 بخون درلر جهان بیوفاده • همیشه عادی جور و جفاده
 کوره بو کور چشم ناتمامی • بجه بولش بود کلوا حدثنای

عجب

عجب کور مشیدر ادبار دهری • جکوبدیری عجب آزار دهری
 عجب بو کور دیده دور زمانه • زمانه کور مشی فغانه
 عجب بر دم بونگده دور کردون • طعامن ایددی اولده خون
 شکایت ایلوب کردوندن اظهار • بو یوزدن ایلدی بر نوج کفتار
اکاه شدن میرنان از کفت کوی میرمانان
 مکر بیدار ایمن اول مرد باهوش • و برای پرده ده هب ایلدی کوش
 بنوش ایدر کده یزدن بوجوایی • هماندم ترک قلدی جامه خوابی
 حرم دن طغر جقدی ایدوب اواز • دیدی ای میرمانان سخن ساز
 هجومه خواب و بر مرزیه اکر زحمت • سر کله ایدم تنها جله صحبت
 بر از کفتار ایدوب حال جهان دن • حکایت ایدم سودوز یاندن
 دیدیک بو کجی ای مرد کزیده • هم آغوش اولیور خوابله دیده
 کمالی لطف و احسانک دشمنی • ایدر سک بنده لره هم بابی
 همان امر ایددی بر شمع اولدی روشن • که نور یک شبستان اولدی کلشن
 بیوردی تا که نقیل اوله مرسیا • کله میدانه صد کونه مر با
 کجوب صدره آجوب درج بیانی • کهر باشی اولدی در یاپی و کاپی
سخن گفتن صاحب خانه هلال
 دیدی وای بر سئوالم ایتک انکار • که تحنده بنم بر مقصد م وای

اینستاده
 یعنی
 استیغاب
 هلاک
 نقیل
 و هله اولور
 مر با بورد
 معنی

کیم ایدی ایلین اول کفتکوبی • بزیم احوالیندن جستجویی •
 جوینده یوغ ایدی امکانه انکار • رفیق بالضروری قلدی اقرار •
 دیدی شرم ایدرک ای بر ملاحظه • تولکدن صادر اولدی بوقباحت •
 حقیقت بوکه ای صاحب مروت • بود کلوجه و مال و عز و دولت •
 بود کل خیل و اغنام و مویشی • بود کل خوش و فرزند و حوایشی •
 تعیی سز آمده اولم میسر • دکل عینی ایده هرگز مقدر •
 اگر چه بوسوزم ترک ان بدر • سنک جمعیتک اما عجبدر •
 بو کفتاره حسد در صنفه بادی • قرین آسین سا که حق اذدی بادی •
 هلال آسا اولوب هر کون زیاده • ضیا بخش اولم کبی عباده •
 اولوب ماه جمالک عالم ارا • سنکله روشن اولسون دیر و صحر •
 قرین اولدائما لطف اللهد • سزاسین یوز بود کل مال و جاهه •
حسب حال روزگار و روزگار مذیل باحوال خود
 دیدی ای میهمان غم کیده • جهانده روی امنیت ندیده •
 سن انجی کند و در کدن خرقار • اولوب اندوه غیری قلم انکار •
 بر ایکی کون جکوب درد و مشقت • قیاس اینه جهان خلقنی راحت •
 بو محنت خانه دارد درد و غمدر • هیت نوشی نیش و شهیدی سمد •
 بو و شنگاهده کیم طوتدی مکن • که آخر اولدی کند و یه مدفن •
 بلای

بلای خلق عالم اولسه محسوب • اولور هر کس ترا زو سنده ایوب •
 جهان کیمکه اولدی پانه باده • غمی اولدی صفا سندن زیاده •
 نه صاندک عالم کون و صادی • بوکه عام فرایدی استنادی •
 اینا غمی اولور بو پیره زاله • نه لعب ایدی کور افریدون و زاله •
 النجه کوهکی حلوائی شیرین • البذن جان و یروب قور تلدی مکن •
 و فاجون کور مدی مجنون نانشاد • جقوب صهرای غم دن اولدی ازاد •
 جمک او نکیسه ضیاء او توریدی • سلیمانک سریرین ییل کونوریدی •
 سکندر در بدر اولوب زمانی • بر ایجم صواپ چون کردی جهمانی •
 دونوب عکسینه جرخ آسبانی • او کندی دانه افراسیانی •
 فلک قان اغلوب اسفندیاری • جهمانی ایلدی چشمه تاری •
 هوسله ایلیوب بر قصر بنیاد • بر اقدی کندی شداد المیوب عاد •
 نجه دارایه وار اولدی بو کرداب • نجه داراب نیایاب اولدی دراب •
 دم جان باختین میکف برستم • که از جان سیر کستم تا که برستم •
 اولوب کاوسک احوالی مشوش • سیاوشه کذرگاه اولدی آتش •
 دو شریدی پرتی مکر ایله جاهه • قودی کینسروی خان سیاظه •
 جهمان محنت سرای بی بقادر • ایچنده ساکنی اهل شقادر •
 حسد اول عارف دهر از مایه • که پابند اولدی دام بلایه •

بیلوب اغازدن انجام کاری • • الین جگدی جهاندن اختیاری
 دیدی کردونه برد و لایق بر بو • وجوده بر خیال خوابه بر بو •
 خوشی اولکم ویرمه یی دل ماسوایه • گرفتار اولمادی قیده هوایه
 جهان دیمدهان ازدها در • نعی سر تسدر دو بلا در •
 بنم کر سر کد شتم اوله تقریر • انی ممکن دکل حصرا یده تحریر
 نه قان یوتدم بو کرداب بلایدن • نه زهر ایچدم بو خوشی ازدها دن
 اگر تقریره قابل اولسه دردم • سیزه تفصیل ایدوب سر جمله دردم
 ولی صد شکر و حمد اولسونکه سبحان • مقدر ایلمش هر درده در مان
 حرنی ایلبوب آخر فر حناک • مقارین ایلمش هر زهره تر یاک
 اگر بر جاهه صالحه بر فقیری • اید بر رحمت اهلین دستگیری
 دو شرسه درده ناکه بر حرنی • بر اهل شفقت ایلم مستعینی
 جهاندن بر کسی کر بیکس ایلم • اکا بر رحمت اهلین کس ایلم
 قومز بیکس غم ایچره بر غرنی • اید بر مردی در دینک طبیعی
در حسب حال ناظم رساله سانی عفا الله عنه کوید
 اگر وار ایسه چشم اعتبارک • نظر قبل حاله سانی زارک
 جهاندن بو نجه مدت در بدر کن • مصیبت شکرینه بی کپیر کن
 یونگیکن خلق ایچنده اعتباری • مشقتله کپیر کن دورکاری

انی بیکس

مکرر معنی
 بی بر معنی
 اصطلاحی در

انی بیکس بولوب دور زمانه • جفا تیرینه قلمش کن نشانه
 بدیهی رحمت دادار اکر • انی بر بار کاهه اتدی جا کر
 کیم اولوب دور کردونک نقیضی • همتنه قالدیر او جبه حنیضی
 ایدوب بر اصف وقتک غلائی • حه اتدی دردی اکه خاضر و عای
 یانور کن خاک ذلتد محقر • ایدوب بر خسروک لطفینه مظهر
 اولوب بخت معاند مهربانی • اونته دردی اکا جور زمانه
 او خسرو کار زو ایتکده افلاک • هریم در کهنده اولمغی خاک
 اول اصف برای کیم رشخ مدادی • همتنه یازنده نقش مرادی
 نگاه بر افسانه کور سرورین • کد شتمه ذلتن حالا غرورین
 طغوز افلاک باش اکر اولدی • یاننده کوه کاهه دکر اولدی
 سپهری وفادان الدی دادین • مهیا ایله یی جمله مرادین •
 اگر چه بولدی هر مقصودی اتمام • دخی کور که کر که در نجه انعام

اداره کلام فی نفس الامر کوید

بو یوزدن عادت الله اولدی جاری • کمی عزت بولده کمیسی خواری
 عزیز اولان ذلیلله اوله غمخوار • ضعیفه بر قوی اوله خریدار
 برینه ازمایش اوله حاصل • بری اجر جزیلله اوله واصل
 حکدن امتیازی اوله وردک • بلینه رتبه سی نامرد و مردک

اجاويد جمع جواد در
ط جواد در
کرم

اشارة الدنيا فرقة
الاضر

کرمه ذکر اولوب نام اجاويد • اوله نایقامت حی و جوادید •
 جهان برکت زار خیر و نذر • خوش اول کیم حاصلی بر خوشتر اند •
 اضر سزک اولور مردانه تلف • انزله یاد اولور اکثر سوالف •
 موافقون انرا اولماسه پیدا • نجه اکلردی فی اهل معنی •
 او خالکم عمارت قلردی بنیاد • دیلردی اوله نای خیر ایله یاد •
 ولیکن بلدیار اول بر و بوم • مرور ایله اولور من مسکن بوم •
 بوکه عاقله ایتمز اعتمادی • نه غم باقی قالور بونده نه شادی •
 بو مجلسده نه فی قالور نه سانی • همان ذات خدادی حی و باقی •
 اودر عاقبت کیم یاد اولوب هملاه • جهانده اکیله لطف و کرملاه •
 همیشه خلقه احسان اوله کاری • مروتله کرم اوله شعاری •
 اگر بویکجه ده اولسیدی وسعت • سزه احوالم ایلردم حکایت •
 نه جکدم کردی کر دون دوندن • نه قان یوتدم بوجام سر نکوندن •
 نه لطفله اول اسراره واقف • نه صاحب همت قلردی مصادیف •
 اولوب احوالیه احسانی شامیل • نه یوزدن قلردی نه حل مشکل •
 نه صاحب لطف اولور من بو حشرده • نه ارلر و ایش نوع بشرده •
 نهایت سوبله یم بوشام آتی • خدا تقدیر فلش سه حیاتی •
 دیدک ای مرد میدان مصافقت • دیمش ان فی التا خرافات •

انرا فتحین ایله تالیف
مغنیه

سوالف حکایتی ماضی

الف اسم فاعله تلف
ایدیجی دیگدر

بو مجلسده نه فی قالور نه سانی

بر بوم بر بوم
بوم و برده و مرز بوم
دقی در لر

بوابات میزان هلال
سندن حکایتی

کرم

کرم قبل بویکجه کوم فشان اول • سکنه دلله راحت رسان اول

اغاز داستان هلال ابن نریا

جولدی بنزده بو قدر صبر و امکان اولار تا •
 جولدی بنزده بو قدر صبر و امکان • هاندیم اولدی برمه شکر افشان •
 فصاحتله اولنج قصه پرداز • رخ معیندن آجیدی پرده راز •
 دیدی اولدمکه طالعدی برتا • تمام اسباب عیش ایدی مریا •
 دیار نجدک اولوب اختیاری • کمال اوزره ایدی اه اعتباری •
 مطیع حکمی اولش خاطر و هم عام • عشایر سر سر فرماینه سر ام •
 بو صحرانک اولوب سده سیدی • زبون ایتمدی جوق خصم عنیدی •
 نجه کز ایلیوب خصمینه شجون • زینتی سر سر قلش دی جیحون •
 معاند خوف ایدوب اشکنه کندن • مقلنددی عدس برین کندن •
 قاجوب افلاکده طومش دی آرام • سنان نیره کندن یز و آرام •
 شجاعته اولوب هم حیند رستم • اولور دی نزله حوار جودی حاتم •
 کرمه سیر ایدوب پست و رفیعی • اونند مرشدی فضل ابن ربیعی •
 بر نجدک اولوب مدر انای • مطیع ایتمدی اعرابی نمای •
 اود کلوا ایلدی خلقه جمیده • کیم اولدی قبله قوم و قبیله •
 قرین اولوب اکالطفه والی • حساب کلم اولدی مال و جاهی •

بر عطار دیله نری
تاریخ مریدان

برینه اولوب عالمده دلینده • فقط فرزند ایدی ارزومند
 نده کلومرعه کم اولدی حاجت • بن اولدم حاصل عمرینه وارث
 جو حاصل قلدی برغیری فرزند • بنمله بالضروری اولدی هر کند
 بن ایدم کند ویره وحشر انیسی • بر ایدم قرت العین جلیسی
 بن ایدم کیچم کوند وزهیم بابی • بنمله ایدی همان ارام جایی
 نکالمتی دی اغوزنده مکن • بن اکاجان ایدم همان اولد بکاتن

صفت ختان کردن هلال گوید

بو حال اوزره کجوب بر نجه مدت • مراد ایدم بکم بی ایده کنت
 شروع ایدوب بر ایام بهاران • که زین ایتمت دی دشتی ماه شان
 فراهم ایلوب اشراونج دی • کتوردی بریره اطراونج دی
 غزمت ایلوب پیرو جوانی • قورلدی بزم عیش و شادمانی
 صباح اهنک ایدوب بید و لوسازی • ایدرلدی کیمر اجه شعله بازی
 صباح دنک اولوب عالم چراغان • اولوردی شنج و شانی اش نشان
 الوب هر کیمه مطربلهم ایلهم اهنک • زنین و آسمان اولوردی هر ننگ
 یراغ ایدوب هزاران اسب و تازی • ایدرلدی هر اخشام اوزره بازی
 قوشوب بر نجه یوز اسب رهانی • حجل ایلر دیلر باد و زانی
 او کونده سابق و لاحق بیلندی • نجه اسب و شتر او کدیال لزدی

۵ فراهم یعنی همچین
 ۶ غزمت یعنی دوهوت
 ۷ شعله بازی یعنی چهره غان
 ۸ اشرا افشان یعنی ایشباری
 ۹ اسب رهانی یعنی یوکرک
 ۱۰ او کدیال معنی

محصل

محصل ایلوب برای عشرت • دیار نجدی قلوق غرق و نعمت
 جو سور میمنت بولدی تمامی • نریا یغدی نینه خاص و عای
 ایدوب هر برینه حال نجه عزت • کیوردی هر برینه نجه خلعت
 ایدوب هر بریسی اهنک خانه • ایلینه هر کشتی اولدی روانه

بمکتب وادانی هلال گوید

ازان پس ایلوب تکلیف مکتب • بکالوج و قلم قلدی مرتب
 ایدوب نجه زمان تحصیل دانش • فنون علمه قلدم سعی و کوشش
 جوتدی ریح ایله اون دور اولدی سلم • مده بدر اولدی کتدی کیم هلالم

بماه شدن هلال

ایدوب تاثیر چشم زخم ایام • بنی قلدی نشان یر اسقام
 وجودم دویموب عین الکمال • نینه بدرم شبیه اولدی هلاله
 مه نوکی اولدم زار و رنجور • مرض بدر جهالم ایددی بی فوز
 نری بی تاب نقش پسر اولدی • بن آتش پترم خاک تر اولدی
 بنی اولد کلونجی تاب ایلدی تب • کیم اولدی هر سومونیش و عقب
 حرارت دن دوشوب بدرم محاقه • قریب اولدی ستارم احراقه
 مذاق عیشی دردی ایلوب تلخ • همان یقلمتدی کیم غرم اوله تلخ
 میان جسم و جان نه دوشدی حایل • کونم سوی غروب اولدی مایل

۱۱ م استقام
 ۱۲ عین الکمال یعنی اصل
 ۱۳ حفاق یعنی ای طوق
 ۱۴ امانت یعنی ای طوق
 ۱۵ امانت یعنی ای طوق
 ۱۶ امانت یعنی ای طوق
 ۱۷ امانت یعنی ای طوق
 ۱۸ امانت یعنی ای طوق
 ۱۹ امانت یعنی ای طوق

دروغ شویله ضعف اولدی حواله • که از قالدی اینم سمت زواله
وجودم شویله نایاب ایلدی دردی • که عاقیل باکه ویردی جوهر فرد
در ایدی بگا هر کم آنسه معلوم • میان نور و سایه خط موهوم
جوشا صین کفه قونسم میل بازو • تریل ایلن اولور ترازو
کتوردی اهل طردن نجه جازوق • بری صونادی بر شربت موافق
نیزدن کایله یلر ام سم اولدی • کونم تدریجیله کوندن کم اولدی
جو عاقر اولدیار بندن اطبا • وفاتم انتظار ایدی اصبا
تضرع و نیاز کردن تریا برای صحت یافتن

کفر ای
شاهین کفه ترازو
باغرا اولان اوزون
نجمه میل در لری
نخاع
فهم کن از کفری شهنشاه

هلال

تریابولوب بودرده چاره • یوزن طودی جناب کرد کاره
دیدی ای دافع بلوای ایوب • ضیا بخشنده جثمان یعقوب
هلالی ایلدک سن بعد کمال • اکا قطع ایدر ووب بو نجه مناریل
یتوردک چونکه لطفکله کماله • خداوند اقرین ایتمه زواله
بنی قلدک جو بو طفل ایلد خندان • قرانی برله ایتمه زار و کربان
بنی مقصوده قلنک سن ملایقی • مقدر ایتمه یارب افتراقی
ایدوب حقدن اومیه چاره سازی • در و باه ایتمه کده نیازی
کلوب جو شوخ و شنه بحر رحمت • بنی جگدی کنار موج برافت

کمال

کمال شفقت دادار اکبر • قولینه عاقبت قلدی ملبس
اولوب کون کوندن افزون آب و تابم • کونشله نجه اوردی ماهتایم
مکر اولدمده نزه اتمی تریا • که کر صحت ویررسه باکه مولا
میان بنده ایدوب قلمایه تاخیر • ایده نزه و بجم احوالنده تدبیر

تخص کردن تریا عروسی برای تزویج هلال گوید

هم اول ایامده بر عهد سابق • هر مدن طشره جقوب بسج و صادیق
ایدوب ترتیب اسباب ضیافت • کبار نجه دی قلدی جمله دعوت
دیددی ای اشرف قوم و قباریل • همیشه اوله سر مقصوده ناییل
اودم کم منخسف اولدی هلالم • فرزون اولمشدی ایدوه و ملالم
کوکلده ایلمت دم بویله نیت • که حوا احسان ایدر رسه که صحت
فلکده قلمیم بر خطه آرام • ایدم تزویجی احوالنده اقدام
بو کون کم رحمت فیاض مطلق • هلاله ویردی تازه نور و رونق
مرادم دوشمیدین بن پیچ و تاب • قرین ایدم اتی برافتابه
نکاح ایدوب اکابر خوب و دختر • قرین لعل ایدم بر کولوی تر
ولی یکتا اوله اصل و سبده • نظیری او طیه جمله عربده
قدیمی خاندان دن اوله ذاتی • جمالی کبی خوب اوله صفاتی
بتوب باغ مکارمده نهالی • نجیب الاصل اوله عمی و خالی

اول حسن ايله خوبانه فايق • هلاله اوله هر وجهيله لايق
 سز كل مشهور تدن مقصودم بو • كه تفيش ايد ز اعرا في هر سو
 بوله سز بيزه لايق بر اصيله • بقاي سله اوله تا و سيله •
 بلور سز جون بنده اصل و ذاتم • صفای جوهرم حسن و صفاتم
 بيزه همتا اوله اصل و سبده • مشار بالبتان اوله اديده

يافتن دختری عروسی در ویلايت يمن

ديديلم اي در بجز سياوت • يكانه دري اوج و سعادت
 اگر چه نچي دده جوق خوب رولر • نسيده هم حسبه بنده هولر
 وليكن اكيلور ستر سنده • ميان ساحل بحر عدنده •
 بر اهل جاه دولت مرد و كامل • كيم اولمش مرجع قوم و قبائل
 كرمده اوله ز حاتم مثالي • شجاعته اهور زه الهالاي
 كرمه سرافراز اولمش جو مجوق • او پرده اكيلور ناميله عبوق
 اكا و بر من خد ابر پاك دختر • كيم اولماز اسپانده بويله اختر
 كيز كتر بيني مي و عذرا • قومش نامني اباسي شعرا
 عدن بحر نده اولمش بويله كوه • يمنده بر ظهور اتمش بواختر
 سنان قدي نيخ ابر واني • دو كرقان بله يوب بخشى ياني
 نياز ايله خدای ذالجلاله • نصيب ايد مكر اني هلاله

فريا

**خطبه كسر خايله تا اهل الجون
 قير استمارة در لاس**

ترا با جون اشدي بو پياي • حصول امره كوس تردي قياي
 ايد و ب هب خطبه اسبابي ميا • بنوب بيد نيزه وار ايله مينا
 يمن سمننه طورمه عازم اولدي • بو كاره جان و دل دن جازم اولدي
 الو ب بر نجز ز روشيد روانه • اير سديلم سوي هام او رانه

ملاقات شد نري با عبوق پدي

دختر

مقدم استماع اتيدي بو حاله • همان عبوق جميع اتيدي اهالي
 پذير اولمغنجون جميع ايد و بصيل • يور يدي جنلي قرشون نيت كم سيل
 ايكي عكر جو كلدي بر ارايله • زميند كرمي اير سدي هو ايله
 يمن صحرا سي اولدي فوج در فوج • نيت كم بحر قلزم موج در موج
 ترا با ايله عبوق هنرور • فرشته قده مثال شير و شكر
 محبت هر طرف دن ايلوب جوش • بري بريني قلديلم در اغوش
 ديديار مر حبا اهلا و سهلا • لمن و دكان للتر حيب اهلا
 قرين اولوب ترا با ايله عبوق • يور يدن تا كورندي حق معنوق
 تقدم ايلوب عبوق سالار • مهمات ضيافت قلدي احضار
 مهربا اتيدي يور يور خرو ديبا • دغي يور يور جواهر خوب و زيبا
 نه جوهر جمله در ياي و كافي • عقبو و لولو و جرج يرماني

هاما و نري بعبوق

ایدوب کسرتده بره مههمانه • یولی دوندردی بره کهکشانه
ایدوب ارایش اول مشکین جنای • کتوردی غیرته دارالسلاهی
بخور انیدی اود کلوعود و غیر • که سفف آسمان اولدی معطر
فریابی پیاده ایدوب اقبال • رکابن طوندی تعظیمیه فی الحال
دوشوب باسینه تادیرکاه خانه • جلوداری کی اولدی روانه
سعادتخانه سینه قلدی نزیل • حمل برچینه صان ماه انیدی نحرول
قدومندن ایدوب ذوق صفالی • دیدی ای یار جانی مرصالم
صفا کلدک شرف و یردک بوخاکه • سمدن قالدیروب قودک سماکه
بلای استیاتی ایلیوب دفع • حفیض خالکدن قلدی نری
وجودم صر فخالک مقدمکر • علام بوق بنم وارم سگدر
هان اولدم ایدوب یوزناقر بان • عقیق انیدی بمن صحر اینقان
جکوب اوج کچی اوج کون دور لوزانلر • نغمه غرق اولدی میهمانلر
کورنجه رتبه عیوقی اعلا • اکا جانیه میل انیدی نریا
دیددی لایق قدر بریزه بوسرور • اولاهم اقر باهم یارویاوسر

تکلیف سخن

او چینی شب که بوجرخ مکوکب • بساط عشرتی قلدی مرتب
فروزان ایلیوب قندیل ماهی • فلکده اجدی هاله نطف شاهی
کواکب

۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

کواکب نفدنی میدانه صاحدی • جکوب صحن مهک سرپوشی اجدی
کجوب کیوان سرر هفتمینده • مقیده اولدی کندی عالینده
جکوب شمشیر کینی انیدی بهرام • سیده زکلی شاهی حکیمه رام
عبیر شاهی عالم دیوارزان • فلکده مشتری المندی میزان
کونش روین جکوب مشکین نقابه • اوده اخشامه دوار مرشدی خوابه
اوروب جنکینی زهره یننه سازه • او قوردی اوجده بر نقش تازه
شکست اولندی چونم جامه حمیه • اوزی جالوب اوزی اویناردی ناهیه
دوشوب تده بریزم عیشه پرویز • قمر جام هلالی انیدی لبریز
بو صحبتده جکوب برجام سرشام • کج ایلیدی کسهر پیر و رفقار
ایدوب صحن فلکده ترکنازی • سماره ایلیدی طورمه نیره بازی
شفقتن مهر ایدوب آتش فروزان • بطینی قلدی اول آتشد پریان
کباب ایدوب محله جدی و حوقی • کیم مهمانه احضار انیدی قوی
اولوب اقلیم شام اسرینه تحویل • بانینه تاج وزیرین کیدی اکلیل
ثریادر صاحب درج دهنده • پرا انیدی بزنی لولوی عدنده

یا طریقی مباحات سخن گفتن نریاودر

صمنش خواستن دختر

دیددی عیوقه ای کان مروت • فروزان اختر برج فتوت

نیشاز مننه
بلطین منازل قدری
کلیله بر کویک استه
لغنه حاج مغنی

ایشتمش سین بنی کیم نامه ارم • • • • • نجه وصف ایسه لریوزا ونجوا رم
 اصالده نجابده سبه • • • • • بنجامتده سنی اویده ادرده
 بنم کی عربده واری ثانی • • • • • بلور کیفیتم قاصی دانی • • • • •
 بحمد الله که وار مال و منالم • • • • • نقایضه منبر ادر فعالم
 منم سرداری هب ارکان نخود • • • • • منم سر چشمه سی سگان نخود
 مراد ایسم اگر هنگام هبها • • • • • پراولور عسکر یله دشت و صحرا
 بناله دو شمن ایسه جنگه اهنک • • • • • جراحی خصم دونه ایلم تنک
 دم هبها ده برق و سعله یارم • • • • • گرم وقتنه ابر نورها رم
 خصومت ایسم آشوب جانم • • • • • محبت ایسم راحت رسانم
 الورا احباب کام دل در مدن • • • • • ایجر زهراب دوشمن خنجر مدن
 خوشنا اول کسه کیم اولدی بکایار • • • • • پشیمان اول کشیکم قلای بیچار
 سنک دخی اشتمم اصل ذاتک • • • • • علوی هتک حسن صفاتک
 اولوب شوق جمالک طبعه غالب • • • • • بنی قلای مقام قرب طالب
 وصالک شوق قلای صبری غایت • • • • • مراد ایتم منی ایدم زیارت
 بحمد الله میسر اولدی مقصود • • • • • بوسودا ایجره حاصل ایلم سود
 سنی بولدم مراد مدن زیاده • • • • • هوس قلدم سنکله اتحاد
 سنکله اوله وز جون ایلم یار • • • • • نه غم کر جمله عالم اوله اغیار

قاصی یعنی تعبیه
 دیکار
 دانی یعنی تکیه
 دیکار
 اتحاد برلا اولوغ
 معنی

کمال

کمال شفقتدن ایر پالا • • • • • بکاویر منی اود کلومال و امالاک
 که یوزیل ایلم انعام واحسان • • • • • محال عقلمدیر کم بوله نقصان
 بوجیعیبندن لطف ولایه الی • • • • • خلف قلای بکا الحق هلالی
 ولی درگاه حقه شکر و منت • • • • • ایدوب ای هلال عید دولت
 قلبوب برج و سعادتده هویدا • • • • • جمال قلای ماه عالم آرا
 همیشه ایتمده کسب و سعادت • • • • • یوزنده برق اوور نور هدایت
 بودم که ایردی اون دور دینه یاشی • • • • • هنرله آسمانه بتدی باشی
 مراد ایتم که تر و پج ایتم آتی • • • • • اکا تقوض ایدم بودود مانی
 ایدوب بر شاخ مورون ایله پیوند • • • • • امل سروین قیلم نخل بر و منت
 ولیکن استرم بر پال کوه • • • • • کاوله بو کوهر یکتایه همسه
 نه اوسود ایله اولوب کرم بازار • • • • • کلوب بید جانیه اولدم خریدار
 اومیده اولدر بوبانی ایتموب سده • • • • • کلام مخلصی قیلماه سر برد
 اگر مقصود کنج سیم وزر در • • • • • یولکه جمله وارم بی سپرد
 اود کلونچ ایدم ساکه روانه • • • • • که هر کز صغیه ای خزانه
 چن کوش ایتمی عیوقی جوانمرد • • • • • حیاسندن عرق ز اولدی جون ورد
 دهان اجدی کلزار تبسم • • • • • اویه خوب ایله قیلای تکلم
سخن گفتن عیوق جوانمرد بثر یا

کلام کلور کدر اولور ایتم
 ایتمده وار بر اولور ایتم
 ایتمده وار بر اولور ایتم

دیدی ای کو کب بخت سعادت • فروزان کوهرگان ملاحات
 مشرق ایلدک چون دودمانم • فدادر یولکه مال ایله جانم
 بنا و اغلا نلرم هب جاگر که • قیزم خود به کنیزه کتر که
 ذمی دولت ذمی عزت سعادت • که شعرا ده اوله بو نجه لیاقت
 هزاران لطف شکر ذالجلاله • که احسان ایدی شعرا بی هلاله
 همان اولدمده امر ایدی ثریا • که جلاب فرج اوله مهیا
 اود کلوازدیلر قند مکرر • کیم اولدی کام غمده تنه سکر
 جقدی بر نجه عقه ذر ناپ • که هر یردی بر دردی شتاب
 دخی بر نجه نافه مسک از فر • نهایتن فرزون هم عود و عنبر
 نجه کیسه زرسیم و جواهر • نجه یوک اطللس و دبای فاجر
 مکین ایلی شعرا اهدا • مکین اهل بزمه قلادی اعطا
 ایدوب شعرا اول کون مرادم • مقرر ایله یلر چون اتحادم
 ایدوب اوج کون دخی انده اقامت • بوسوزدن مکرر ایله عیش عزت

رو جوع کردن ثریا بو وطن مال و فرزند
 ایدوب عقوقدن رخصت نمنا • سوی نجه رجوع ایدی ثریا
 ندریک ایلیوب اسباب سوری • مهیا قلادی ارباب خضوری
 بیغوب نجه ک غنی ایله فقرین • کتوردی بر بره بر ناو پیرین
 کتوردی

بزایعی بیکت و کجادی

لیاقت

کتوردی بر نجه بیک نیره بازی • یمن سمینه ایله ترکتاری
 کتوردی یوکلیوب بیک اشتر من • زروسیم و قراش و عود و عنبر
 یا نجه صد کنیز و صد غلامی • که عبیدی مشرا سیدی تمای
 دخی بیک زره و بیک شمیر و عنبر • بیک اسب و بازی بیک خود مغفر
 اود کلومال و رزق ایله کی روان • که از قالدی غنا ایله زیانه
 ایدوب بو خشمیت ایله ره نوردی • روانه اولدی بر قانون مردی
رفتن ثریا بولایت یمن دفعه ثانیه و عقد

کردن شعرا بروسی

یمن اولمینه چون اولدی واصل • مراد او زره مرادی اولدی حاصل
 ایدوب اوج کون بینه انده اقامت • ندریک نیکسه کوردیلر تمامت
 ایدوب عیوق بمنل و ملک جاه • اود کلومال شعرا ایله همراه
 که طوتدی اسب و اشتر بر یوزینی • اونوتدی فقر و فاقه کند و زینی
 قوشوب یا نجه اولده نجه بیک ار • قمر له یوریدی کویا که اختر
 کلوب نجه ایشدی چونکه شعرا • قیام امر سور ایله ثریا
 بینه جمیع ایلیوب خاص ایله عامی • حجاز و نجد کسان تمای
 بینه ترتیب ایدوب بر سور شاهی • بتاشابه کتوردی مهر و ماهی
 کلوب بر بره یوز بیک اقامت • بر نجه اولدی صحرای قیامت

۸
 نغمه غنایی

ایدوب ایلمیری مقصوده واصل • مراد خاطر اولدی چونکه حاصل
 ثریا اهل سوره ینه رخصت • و پروب هر برینه کیدردی خلعت
 جگدی هر کشتی اوز منز کینه • قاوشدی برنه سبیل کلینه

اداره کلام و فرزند زادن از شعر

قالوب شعر ایله بن پنج ایام حضور قلب ایله سوردک سی انجام
 اولوب ایستمن از منده شعر صد فده حاصل اولدی در بیکتا
 فحی ایام عملی اولدی ایام صد فده قلبی دردانه آرام
 طوغدی کل کی بر ماه پاره بر فدی بحر پر کوه کناره
 قدومندن صفا ایدوب ثریا قودی نامن سهیل ماه سیما
 اولوب هر کون فزون حسن جمالی گرفتار ایدی ابروسی هلالی
 ثریا کوردی انوار سهیلی کونوردی بندهن اکه صالحی میلی
 اولوب کون کوندا اعلا ندر روی اسیر ایدی دل شعری موی
 ثریا قلبوب بر لحظه آرام ایدردی اندک ایله دفع الام
 سهیل ایدی همیشه عقلی فکری سهیل ایدی مدام اغنده ذکر
 سهیل اولدی فحکم هر سال وجودی غرق اولوب نور جماله
 کوز لکده اولوب بر ماه پاره ایدردی نام حسنی هر دیاره
آمدن عبوق بنزد ثریا و بردن سهیل با

این شعر
 در بیان
 است
 و کون
 مضاف
 به
 یوکلو

باخوبش بد یا رخود

جمالیته اولوب عبوق مشتاق • کیدوب ابرای اولدی طاقی طاق
 ند ایدک ایلیوب خیلی ره آورد • عقبوق وضع و عود و عبور و برد
 شور و صحرای بخده سیل خیلی • جگدی کلدی قصه ایدوب سهیلی
 قدوس استماع ایدوب ثریا • بنوب سر جمله اولدوق راه بیما
 ایدوب اقبال عبوق هماری • کتوردک ایندروب حیره کرامی
 سهیلی پرک ایدوب بغزینه باصدی • قولینه بر بیانی جوهر آصدی
 قالوب برای بزده مکث و آرام • حضور عیش ایدردک فیصله شام
 پس اندنضکن اولدی بنه جازم • یمن سمینه اوله چونکه عازم
 ثریا به دیدی ای مرد و دانا • سهیل اولسون بناله راه بیما
 کتوروب تویمم بن برنده انی • سهیل البت کرد اوله بیانی
 اوله پرورده بر ایام بنده • کرکه رگیم اوله کوه عدنده
 بر ایام اوله انده بر توافکن • یمن اوله جمالی بر له روشن
 ثریا دیدی بالله قیل فراعت • که یوقه بنده هر اینده طاقت
 سوزینه چونکه عبوق ایدی احرار • رضا و پردی ثریا جبار و ناجار
 الوب اولدی روانه چون سهیلی • ثریا بی کونوردی اشک سهیلی
 سهیل اولوب یمنده چونکه طالع • جمالی اولدی اول صهراده لامع

م
 او
 در
 معانی
 برد
 الا
 فغان
 و
 کینه
 مضامین
 م
 فن
 حوا
 و
 مه
 ایل
 قبیله
 دیگر

معطر ابتدای اول اقلیمی بوی • انکله بولدی اول برزند و وردی
 اوراده باش حکوب چون قلدی ارام • یعنی اعرابی اولدی حکیمه ارام
 یعنی سمعی اولوب زیر نکی • تملک ایلدی اول سرزمینی
وفات یافتن بزبا و سردار قبيله شدن هلال

واحوال او

تر یاد و عیب بواقتراقه • طوتدی یاندی تاراشتیاقه
 بریشان اولدی هجران ابله حالی • دوستوب یاقلندی کون کوندن زوالی
 اولوب برنج مدت زار و خسته • او مرغه دوندی کاوله پر شکسته
 اطباء عاجز اولدیله علاجه • اولوب ضعف علل قالد مزاجه
 چون اولدی ساغر لیر زعری • بوزلدی بزم غم انکیز عمری
 دمام ایتروب اه و فغانی • سهیلیم دیدی تسلیم ابتدای جانی
 اولوب رطل کران موتی شارب • کروب ابرفتایه اولدی غارب
 جکلدی کندی اقلیم بقایه • بی صالدی بو کرداب بالایه
 الرب اطرا قی درد و مشقت • وداع ابتدای وجوده ضایع راحت
 سهیلک بر طرفدن اشتیاقی • تر یاندک بالای افتراقی
 بنی دوندردی بدراکی هلاله • دوستدی روز شب اینج خیاله
 جو انلقده ایدوب اندوه ایله پیر • خیانتیم نعمتدن ایلدی سیر

عدو اولدی صدیقی اولان سلفده • یاشن قالدردی دو شمع مهر طرفده
 ارامزده حضورت اولدی جاری • دو کوشدک یوریدک لیل و نهاری
 بشی اون ییل اولدی بو احوال منته • خدا اخر بزی ایدوب مواید
 مرور ایله ایدوب اعدای مقهور • گروه خصمه اولدی بنه منصوری
 شب و روز ایلوب پیکاره اقدام • قیلچ ضر بیله قلدوم دو شمع ارام
 بنه ضبط ایلوب اطراف نجدی • مستخر ایلدم اشراق نجدی
 شریادن دغنی یلد اولدی عالم • جهانی طوتدی مالکله رجالم
 کرم دستن کشاد ایدوب عباده • حضورم اولدی اولدن دیاده
 اولوب اعرابدن اوج دورت اصلیه • بقایه نوع ایچون قلدوم وسیله
 عطا قلدی خدا اون ایکی فرزند • بنی قلدی انلمه شاد و خرسند
 غم ایایی هرگز حکم اولدم • سپهر دونه یاشیم انکن اولدم
 بیل قدم عهدۀ خدا مه کاری • صفابه قصر قلدوم روز کاری
 یا نمده محض کفر اولمش ایدی قید • شعارم اولمشدی روز شید صید
 بو اولسوب اوزره کجی خیلی ایام • فلکدن کورمدم اندوه والام
 جهانی برقرار اوستونه صاندم • قری بینه زن ذهرک ایناندم

مکیدن سیه پیام قوت سهیل و غرا گرفتار
پدر و مادرش

۳
زدور در هند و بعضی
نسخه دی بیکار معانی
دی

بینه زارد جیخ سفله پرور • نمایان ایلمتی بر لجه آخر •
 ایروب نشسته کشادم ایله ی بند • زدور دایله کج دی بر عجب قند •
 بینه بر کجی کردون ستم • کیوب ماتم لباسن بای تاسر •
 یاتوب قان شفقده مهر تابان • لباسنیل برنگ اتمش دی کیوان •
 جالوب جنکینی طاشه بینه زهره • آجوب کیسو غر طونش دی مهره •
 اوغله اغلوب جیخ ملایب • دو کردی عارضه اشک کواکب •
 فراق مهریله قدی اولوب غم • سپهر ساخنور طونش دی ماتم •
 بن ایسه ایچمهش جلاب قهرک • اولوب مغرور الطافه دهرک •
 صفایه خاطر ایله منزله • ایدرکن خواب راحت عالمده •
 ایرشدی کوشیه بر ناله زار • که قلدی خوابدن دهشتناک بیدار •
 او موهوش نغمه چون ایلام کوش • حرمدن طشر اولدم زار مد هوش •
 نه کورسم بر سوار اهل یمندن • کلور کریم کنان سوی عدنده •
 بو یانوب پای تاسر دود آهه • شب ماتم کبی گرمش سیاهه •
 بنی کورد کده ای دو باه و شون • یقاسین جاگ قلدی تابه امن •
 ایله ایله بر قره مکتوب • که بوز بیلک محنت و غمله ایله مضرب •
 اولوب هر سطر بر شمشیر بر آن • دروغم دوغدی بغم ایله و پقان •
 مکر مضمون خط مشامت بار • سر بیلک فوتنی ایله دی اشعار •

تکمیل

تکمیل سخن

کوروب مکتوبی باشلدم فغانه • بیتوردم اهی اوج آسمانه •
 طوبوب شعر کربیا سن اید و جاگ • صباوردی باشینه دنیا قدر خاگ •
 ایشیدوب بو پیام پر ملالی • بغلدی بر بره کلدی اهالی •
 اولوب کبیسو بریده • • • • •
 دیار نجد طولدی سور و ماتم • ننگم کر بلا ماره محترم •
 برای ایدوب غر او سو کواری • کجوردک یاسیله لبلا و نهاری •

اداره کلام و مضمون دکر

بکادن اولدی چون کسر اولان جمر • بینه طوندق ضروری دامن صبر •
 نسلی قلمغه قلب فکاری • ضروری اختیار ایتم شکاری •
 الوب هر صبی دم دسته بلا بان • تک و تنها ایدوب غزم بیابان •
 بزدم دشت پیمایر ذلوی • ایدردم دفع احزان و ملوی •
 بو حال اوزره کجوب بر نجه ایام • شکار ایله ایدرکن دفع ایام •
 بینه ساقی بزم جور و آزار • ستم جامن ایدوب زهر یله شرار •
 اولوب جور و جفا ستمینه مایل • ایچردی بر طلو ستم هلا هیل •
 سر بیلک داغی دله تازه وتی • دوررکن بینه کرون کتمی •
 کرفتار ایلیوب سوز و کدازه • درونه آجدی بیلک بیلک زهم تازه •
 ابشیت بو بر کذاتی بینه بشدن • که قانلو یاش اقدار قاره طاشدن •

سور کلام و عجمه
 ماتمده
 ۸۰۰
 اهل
 سو کوار ماتمده
 م
 غم
 ماتم معصیه
 م
 غم
 ماتم معصیه

اظهار خصومت و اشعار عداوت کردن
شمس ابن سارق

اود مگر کم نظر بود نریا • جهان حکیم قلندی اجرا
مطیع امری اولوب جمله عربان • مگر قوم خصومت ایله عمان
که بر بنجده اولوب اتصالی • عداوتدن دکلام ایدی خالی
وار ایدی اول کردهک بر امیری • که مگر ایله رنون ایلردی شیری
بر اهل خدعه بر سحر سارق • که در لیدی اکاشمس ابن سارق
بزمله اندی بر فرج کره میدان • اراده اولمشیدی بنجده بیکان
خصومت اراده چون اولدی عتده • نریا ایلوب نه بیر ایله سد
ایدوب یکی طرف ترک مکافات • بری بر ایله قلدر مضافات
ثریا کوجیدی چون داراللقایه • باش جلدی کریبان بقایه
ینه تجرید ایدوب رسم عداوت • بناله ینه قلندی خصومت
ایدوب بر بنجده کره جنک آهنک • جهرانی ایلتم دم باشینه تنک
دم شمشیر ایله و پروب مکافات • قلیچ ضربیله اینه رشم دم اسکات
او کونلر کم عزوب ایدوب سرهسلم • جهرانه قالماتدی داغی منیم
ایشیم اولوب دمادم اه و حسرت • عدودن قلمشم سره ییله غفلت
تجسسوس ایتیموب افعال خصمی • نفخ قلدم احوال خصمی
نسلی بخش اولوب قلب فکاره • دو نوندم کیمجه کوندوز شکاره

غارت

غارت کردن شمس خاتمان هلال کشتن اولاد
انواعش

بولوب نامرد شمس اولدمده فرضت • کوروب اول فرصتی عین عقبت
هان جمیع ایلوب بر بنجده بیک ار • بنوب الغار ایدر چون باد صرصر
قضار بنده اولکون صمکاهی • بنوب اولدم شکاره ینه راهی
عزالی بولوب نزدیک معهور • جگدم بالقروری حیدن دور
بولوب بر بنجده اهوئی جراتی • رها قلدم الیمن بالباغی
بلایان اولمغله کیمجه دن کیر • شکار انداز لقمه قلدی تقصیر
نظر قلما یوب اصلا اهوانه • جگدی جقدی اوج اسپانه
ندکلو ایلدم باشیله دعوت • قناد قویروق مالوب قلما دی عبت
هواده ایلوب بر بنجده پرواز • سوزلدی بریکایه پر ایدوب باز
روان اولدم یا تنجه خیل منزل • زبینه قلما دی اصلا تنزل
اولوب هنگام شید لیل اولدی مسلم • بلا باغی نظر دن ایلدم کم
سک تازی اولوب اهوئی تابع • دوشوب بریکه اولدی اولده ضایع
دونوب سر عقله ایتدم عزم خانه • جو مرغ دام رسته اشیمان
ندکلو سمت حییه ایتدم امعان • نگاهه اولدی آتشی نمایان
بوخ ایدی چونکه ارا برده حایل • دیدم وارساه غرب نو قلدی منزل
چو بندن کوجه اولماشدی خصت • او حالده ن یهورندی قلبه حیرت

راهی یعنی بوی ایدی که

مهر یعنی اولاد

اسمان و قناله نظر انشاله

نیزه جاده مفسد

تفصیل احوال علیہ دو شمن و کیفیت عارت کشتن قبیلہ

- سوار اولوب بوجا بندندہ اولاد
- غلامان ایله اولوب عرق فولاد
- ایکی جا بندن اولدی چنکه اهنک
- تورلدی عرصه جنک
- متاع جان مرکز اولدی خریدار
- کلوب کندی اراده ناوک تیر
- صارلدی بربرینه کر زوشمشیر
- غلافندن قلیچ اولدی عریان
- مثال غمزه و ابروی خوبان
- طاغندی پرچمین رخ رهینی
- خضاب ایتدی دلیران ساعدی
- کلنجده سمه ریلر اهتراره
- دورلدی قد شوح عشوه بازه
- برافندی ابروانه بخش زرحین
- سه پرتا فرسوده اولدی رضین
- اغز اجوب کمان کلدی زبانه
- زره طعن اوقینه اولدی نشانه
- سپر لر ایلوب چاک کر بیان
- او غملا اعلادی چشم زره قان
- وداع خانه تن قلدی ارواح
- در آشوبه زوپین اولدی مضاح
- غبار اولوب فلکده ابر نیسان
- قلیچ لر برق اوروب تیر اولدی باران
- اودم کر زکران آینه قلقان
- بری پتک اولمشیدی بری سندان
- طوق سفندن بربرینه فولاد
- زین رزم اولدی سوق حداد
- دراز ایدوب زبانه مازنه
- دو کلدی خاکه جوش ریزه ریزه
- هلال تیغ اولوب ترک سره قلال
- دولشیدی ایغه بنده اولدی بال

۱. ابروی
۲. ابروی
۳. ابروی
۴. ابروی
۵. ابروی
۶. ابروی
۷. ابروی
۸. ابروی
۹. ابروی
۱۰. ابروی
۱۱. ابروی
۱۲. ابروی
۱۳. ابروی
۱۴. ابروی
۱۵. ابروی
۱۶. ابروی
۱۷. ابروی
۱۸. ابروی
۱۹. ابروی
۲۰. ابروی
۲۱. ابروی
۲۲. ابروی
۲۳. ابروی
۲۴. ابروی
۲۵. ابروی
۲۶. ابروی
۲۷. ابروی
۲۸. ابروی
۲۹. ابروی
۳۰. ابروی
۳۱. ابروی
۳۲. ابروی
۳۳. ابروی
۳۴. ابروی
۳۵. ابروی
۳۶. ابروی
۳۷. ابروی
۳۸. ابروی
۳۹. ابروی
۴۰. ابروی
۴۱. ابروی
۴۲. ابروی
۴۳. ابروی
۴۴. ابروی
۴۵. ابروی
۴۶. ابروی
۴۷. ابروی
۴۸. ابروی
۴۹. ابروی
۵۰. ابروی

- سوروب حیرتله کلدم جون مکانه
- مکین دن بولدم اصلا نشانه
- کیدوب سکافی قالمش واکش ارض غرا
- مزار اولمش بچید و دار فقرا
- روانه ایلدم بیک نکاهی
- کورندی باکه بر ایکی سیاھی
- ذلولدن اینوب قلدم نظاره
- ایکی غلوم یا تورلر پاره پاره
- بزم صرف ایتدم اطرافه نکاهی
- یا تور کوردم بزم برج سیاھی
- نه کورسم یوز قدر اولاد و انساب
- یا تورلر شکم قربان قصاب
- سورلشنی بو نجه تن صحن فلایه
- قضا دوغش زین کر بلایه
- تجمل ایتوب کلدم فغانه
- اوتوم ایرشدی طاق ککشانه

خبر جتن هلال از احوال اهل بیت و عیاشی

- صدای کوش ایدنجه قلدی آفغان
- اودم بر حفه دن بر نجه سوان
- ایرشدم اهل بیت دهشت اوینر
- هاندم کر به ریز و ناله انگیز
- بنی فر شولدی لر زار و کر بیان
- قوسر پا پرهنه عور و عریان
- دیدم تولدی عجیب بو حاله باعث
- ندن بودرد و محنت اولدی حادث
- ایدوب شعر نفه قلدی شبگیر
- دیددی اولدی که قلدر صیده شبگیر
- فجتم اولدی وقت صبح صادق
- ایرشدی ناکمهان شمس ابن سارق
- باشنجه عسکری بر مشعل نار
- ضواری کبی هب خونریز خونخوار
- ایدوب ایلغار کلدی نجیبک ار
- ایرشدی آسمانه کرد لشکر
- شتران دور دل جون اولدی آگاه
- اشاره قالدیروب کورندی ناکاه

۱. خبر
۲. خبر
۳. خبر
۴. خبر
۵. خبر
۶. خبر
۷. خبر
۸. خبر
۹. خبر
۱۰. خبر
۱۱. خبر
۱۲. خبر
۱۳. خبر
۱۴. خبر
۱۵. خبر
۱۶. خبر
۱۷. خبر
۱۸. خبر
۱۹. خبر
۲۰. خبر
۲۱. خبر
۲۲. خبر
۲۳. خبر
۲۴. خبر
۲۵. خبر
۲۶. خبر
۲۷. خبر
۲۸. خبر
۲۹. خبر
۳۰. خبر
۳۱. خبر
۳۲. خبر
۳۳. خبر
۳۴. خبر
۳۵. خبر
۳۶. خبر
۳۷. خبر
۳۸. خبر
۳۹. خبر
۴۰. خبر
۴۱. خبر
۴۲. خبر
۴۳. خبر
۴۴. خبر
۴۵. خبر
۴۶. خبر
۴۷. خبر
۴۸. خبر
۴۹. خبر
۵۰. خبر

تفصیل

و هوی فزونی و او و هاله کتند معنایند و اجام صیواجم اسلان
 تیاغینه در لری این بلان کتند معنایند و فاری

قلجده کلدر اولدده غلطان • بلان اوینار دی کویا کوی چوکان
 قولن صالدری و هوجید سواره • بلکجه ساعده بند ایتدی یاره
 تیرله خرد اولوب زترین کلدر • هلال ایله دو کوی اولدی مهمل
 کجوب فان کجوب عرق اولدی کولکون • سواران کیو اولوب خون اولدی کجوب
 کونندن ضاویبه خون اولدی ضاوی • صباغ اولدی اجام ایچره ضاوی
 سبک زوپین میدان ایلدی • اراده هیلو نیجه جان صالدری
 بو یاندری شاگردی خون بلان • غور اولدی شاخ ارغوان
 قلیجده کند اولوب زره اولدی صدمک • قزبل ولایه دوندی صفی حال
 شکسته اولدی میان کر زوکوبال • سپرده ایدو یی رنگ اولدی اشکال
 اود کلوه کله اولدی ها که غلطان • که جای بوستان اولدی صحن میدان
 کذار ایدوب کپردن سهی شمشاد • ذو کندی حیل و تندی و همک
 ارادی بولمادی بردور لوچاره • ارادن عقیل جقدی بو کناره
 قوشادوب چارسوی حی شکر • اوشقل اولدی انجم ایچره اولکر
 بزیم ابتاعدن بر خصم دن یوز • یینه دوندرم دیلر خصم دن یوز
 مقابیل اولدی بیری صد سواره • براقدی رخنه صف کار زاره
 اولوب هر بریسی بر شیر نره • شکسته ایتدی عدوی نجه کره
 یقوب هر بیری اون اون بری سواری • قزبل قان ایتدی صحن کار زاری
 دو کتدیله که اتلو که پیاده • عدودن یقیدیلر حددن فباده
 دوشور دیلر

سپلی ...
 سواران کتند معنایند و فاری
 حیل بو یون دیلر
 عربی دیلر
 صباغ
 ضاویبه
 ضاوی اولدی
 ضاوی تانی سکور
 ضاوی
 صباغ
 حیل
 شکر
 بلان
 و دلاور لری

حاکم کتند معنایند و فاری
 و هم عقلا هر و ادل کتند معنایند و فاری

دوشور دیلر عدد سر خصمی خاک • بیک ار مقدار یی ویردیله هلاک

تکمیل سخن

عدونک عکری اولمقله بسار • زبون اولدی بزیم اولادنا جا
 ویروب مردانه لکله جهاله جانی • دیله المادیلر لفظه امانی
 بر بر ایچوب جام فانی • جکلدیله طوب راه بقانی
 ند کلوه غالب اولسه بجه سیلاب • اولور جوق کتیب البتده باباب
 قلیجده ن کی دی جهاله مرد میدان • زمین لاله کون ایتدی قزبل قان
 سوزلادی کوده لر خاک سیاه • فغان جقدی حرمدن مهر و ماه
 مباسر لک ایدنم هیل قزبلدی • قلان اموال هیل جهاله کورلادی
 ایدوب مال و منالی جهاله غایت • کتوردیلر نه وار ایسه تمامت
 طور بر کن بر طرفده زار و عریان • بزیده ایتدیله سر جهاله عریان
 نرکم و ارایدی سر یا اولدی یغما • بزیده انجق قودیلر عور و تنها
 کوروب بو عالی اولدم مستورده هوش • المدن کندوی قلام فراموش

سرکشته و پریشان حال شدن هلال ازان

احوال پر ملال

او کونلر اولمغین فصل مرستان • اسوب باد شمالی یاغدی باران
 هماندم شویله مژده اولدی سرما • که جهلادی صوفدن سنک صما

عیال اولقله سر تا پای عریان • صوقدن اولدیگر کر یان و لزان

تکمیل سخن

اوراده وار ای دی بر وادی سیل • ضروری ایلدک اول وادی سیل
اینوب وادیسه اولدق انده ساکن • هو اواردیجی مشتد اولدی لکن
جو کوردم بادق شو اول بعیری • که بادک اولد بر دم پیش کری
کور و اطفالی سر مادن کسرم • دینه سارقم ویرک بطن بعیره •
اوله شایه بعیرک استنادی • ایده شکین بر از اسید بادی
بیوک کوجک همان بر بره کلدی • طیانوب هبد بعیره ارقه ویردی

امسابت الامم دکر و واله و سر کشته شدن

هلال

اولوب اهل حریمک بری حامیل • زمان حملده اولمشدی کامیل
بلند ایوب همان اه و اینین • او حالته ایجره وضع آتدی جنین
ایدوب جان آجسیله اه و فغان • دوغردی بیک شفته بر اغلان
تمام بولیب بر خرقة پاره • که پیچیده ایوب اول طفلی صاره
جو دو شم اوزره ایلدی کرانی • بنم بر بوستان تور کمانی •
دیدی ویروب بکا اول طفلی ناجار • بوئی ال کور کورد دامانینه صابر
جو مفقود اولدی بو نجه اهل اولاد • اوله بونکل شایه اوله کن نساد

خدا

خدا تقی بر ایده رسه زنده کاتی • بو اباد ایده شایه دو د مانی
ویروب بنده وجودی احتماله • رضا کونستردم اول ناقص خیاله
الوب اکراه ایله دامانه صاردم • او حالته المله خوابه واردم
عیاله دخی مستوی اولوب خواب • جمیعاً او یومشلمسترونی تاب

امدکیل باریان و بیزدن اولاد و عیالش سیلاب

مکر مافوقده اخراطه باریان • ایوب صحرا یه تجدی بحر عمان
روان اولوب او وادی ایله سیلاب • کلور اولیره کم بز ایتنوز خواب
اولوب وادی او سیلاب ایله الی • کونور مشرق ذلولی هم عیالی •
بنی ده خوابه جون المدی سیلاب • بر اقدم طفلی قلدم طنز بر تاب
لباسم غرق اولانده کندی آه • وجودم صالحی سر مایهچ و تاب
دور و ب ساحله بر دم فرد و تنها • علا یقعدن تمام اولدم معرا
دوشندم انقلاب روز کاره • رضا و بر دم قضای کر دکاره
دیدم اولماز ایسم بر ستمه سالک • بنی سر مایه ر البتده هالک

رفیق هلال بی سر و پادرو وادی خای زار و بی

نور شدن بیک دینه اش

ضروری ایلیوب غزم بیابان • طو توب بر ستمی کتدم زار و کر یان
کمالی سرعت ایله دشت بیما • اولوب کتدم کیم ایدم دفع سرما

بنی صالحی قضا بخار زاره • که هر خا، یدی به خونین قناره
 ایام التنا اقتان و خیران • کیدر کن باندی بر خار مغیلاں
 کجوب نثر مثالی زیر پادن • جقمردی ماروش باش قفادن
 الیون رخت صبرم اولدی تاراج • اکلام کیم ایدم پایم دن اخراج
 همان بر کجوب خشک سر بریده • جداوش دیده مه اولدی خلیده
 مضاعف ایلدی درد اوزره مردم • جقمرد کوزخانه کن ترک ایدی مردم

فلکدن سینه بر زهر ابر یوتدم • کی زیر پاده کی خاری اوندم
 اولوب بر دیدم اول ساعتده پی نور • کوزمدن نور اولدی تا ابد دور
 اوصاندم ثوبله مختلفه اوزمدن • که نور دیده هم جقمردی کوزمدن
 کیدوب نور کیه قالدی سفیده • کفیده ایلدم که رفیده
 کوزوم آلوب اله اللدم روانه • ایکی اوج کون کیمجه بی آب ودانه
 نه پاده موزه ونه سرده دستار • نه سرده دانش ونه پاده رفتار

عزم بیابان کردن هلال و رسیدن بقبيله
 را که دو شخص بودند

شب رابع اولوب عالم مشوش • کیدر کن ضعیفله کوردم بر آتش
 یقین اولد فحده آتشی اولدی سیار • جهاتی روشن ایدی تابشی نایار
 نمایان اولدی بر پنج معظم • فراوان قوم و بی پایان محتم

کنار

بر پنج قبيله
 اولدونی محله
 درسه

کنار بجوده بر چتر عالی • قورلشی حیمه کمدون مثالی • قدم
 ایدوب جان جفا قدم قدم بران • ایرشدم انسه افتان و خیزان
 يتوردم جان غم فرسایي جمعه • او پروانه کبی کیم ایره شمه •
 کمال ضعیفله ویروب سلاهی • دوشوب خاک اوزره قطع ایدم کلای
 یا توب بر پنج ساعت مست و مد هوش • تعبدن قلمشم کندم فراموش
 الوب انجم کبی اطرافم اعراب • و بمنم کیم اوله بومرد بی تاب

امدن هلال بقبيله آل عقيل نادانه که
 دو شخص او بودند

مکر کم حضرت بکتای بیجون • تعالی شانہ عما یقولون •
 اراده ایتیش اظهار کمالن • جلالنده نهان ایدوب جمالن
 نمایان ایلوب بر تازه قدرت • که عبرت اله ارباب بصیرت
 بنی سوق ایدی تاکه برد یاره • که قوی قتلیمه استردی جاره
 قضا بر قوی قلدی میزبانم • که هر بری ایدی بر خصم جانم
 ای اغاله کلوب سیفی صقیله • مصادیف اولمشم آل عقیاله
 کیم انلره اولوب ما بینم کم • ایره مشیدی ارازد جلالدم
 اولوب ما بینم ده پنجه کج جلا • جهاتی ایلتمدم انلره تنک •
 قروب بتمش نفر مرد دلیرین • کباب ایتشدم بر تاو پیرین

صغیر معیلا

صغیر معیلا
 کیم انلره اولوب ما بینم کم

مکران ایلمی بوکلر دیکم قوم • که اند بشماله قلن لرایدی قوم
 بنی جون کوردیلر زار دلفکار • عجب کی در دیو قبل دیار افکار
 ندن بویله ضعیف و ناتواندی • صلواتش کویه یاربک خزانده
 کیم ایتمش اوله بونی بویله بیان • نه آتش برله اولمش کینه سی پر بیان
 الوب ایلم کی اطراف اعراب • ایدر کی هور یی حاله اعجاب
 او قومک سروری بهر این بیضا • که منلین کورمش در چشم دنیا
 شجاعته سخاوتده کرمده • مرونده فتوتده همده
 هزمیده انک مردم مصافی • مکارم او جنک عنقای قافی
 کرم اقلینک صدر انای • مروت بر جنک بدر تمامی
 جمعی آل عقیلک پشواسی • دلیری کرفرازی مقتداسی
 که انکله اولوب اصل عداوت • اکا قلمش ایدم نجه اهانت
 ایکی اوج قرداشش عوزاسین • بکرمیدن زیاده اقر باسین
 بولوب فرصت ایدوب • بکیمه شیکر

بشکرک بوجلاده
 معنی شجون دیگاره
 شمشیر قافیه
 مضامین کوره ایراد
 اینتده

جمیعاً ایلم دم بخش شمشیر
نوازش و بیمار کردن بدر هلال فلک زده
وخته و دلشکسته
 بیتی کورمش که دو خادم بویله بی تاب • سکر دوب باشده جمیع اولمش اعراب

حرمدهن

حرمدهن جفمنی اول بهر سرفراز • باشم او ستونه اولمش سایه انداز
 بقین ایتمش بنی کوردکده منعا • که المشر وجودم غلط سرما
 جفروب قوللرینک برنجینی • بیورمشکم شکا و ایلمک زمینی
 شکا و ایدوب زمینی قبر منال • یغوب تنوروشی انشد فی الحال
 جفارب آتشی پشمش بر آزاب • که ممکن اوله انده ایلمک خواب
 الوب اغوشینه بن ناتوانی • قیوب اول هفربه قلمش نهانی
 ایدوب پوئیده بر فاج جانه خواب • اول او ساروب اوزره کم ایلمدی اعراب
 همان اول حفرده اولوب عرق سیر • عرق حفره اولمش جام لیریز
 ایدوب تاثیر جسمه تاب کرما • جفروب کتمش بدندن شتر سرما
 حیات نوبولوب دیدم ایدوب باز • کمال ضعفیله قلدوقده اواز
 الوب اغوشنه اول مرد اکرم • بی یردن کونورمنی شاد و حرم
 ایدوب کسرتده بر پاکیزه پستر • بنی وضع ایلمش پسترده بی ضر
 وجودم ایلیوب پسترده پنهان • بر اقمش او ستومه بر نجه یورغان
 بنی جون پستره قلمش نهاده • همان زانو کینی قلمش وساده
 کوروب رخساری می الوده خاگ • از ادوب دسته لطفین ایلمش پاک
دانتن بدر هلال بیماریه و شناختن او را
 ادکم هرهره می دستیله ستمش • هلال اولدوغی اولد مدده بلمش

حفره و یوقازلمش
 جفروب و دیگاره
 ۹ پسر وونک دیگاره
 اغوشینه
 ۸ وساده یعنی
 بصیرت یوقا معنی کینه ده
 زانو دیو انسالک قولنه
 درک

بذله یعنی کمال
اسباب معنی
سبب اولی

همان امر استی اول قوم کرامه • که بنا احضار آید بر بدله جامه
همان ایلیک بر خوش طعای • که کلمه بویله مهمانی کرای

تعرض کردن قوم و قبیله برای هلال

کوروب بوالنفاس با که اعراب • یعنی با شینه کشیدن و سبک شتاب
دیشلم اوله بومرد و ساده • که هر دم لطفک ایلم سن زیاده
اگر کیم دوسته ایله معین • که خدمت آید لم بزده سنگن
و کرم بر عزیز بی نوادر • ندن بود کلوا حانه سزادر

جواب دادن بدو با اعراب قبیله او

دیشلم بلم میسر سیز بود لیری • بود رغاب و غانک نره شیر
بوسور در هلال این نریا • بود وجود و کرده مردیکتا
بود افتاد کاند دستگیری • بود بیکسریک هر دم ظهري
کلامدن تعجب آید و اعراب • دیشلم بوسوزی نه آیدی اتحاب
عه و بی جانی نه تعریفه بو • قدر می خصمی نه توصیفه بو
هلال آیدن بود جمله رجالی • بود تاراج آیدن مال و منالی
نهر بوظالمه بونجه محبت • ندر بو خصمی جان بونجه شفقت
اجازت و پیریزه بوفتنه کاره • ویروب پاداش آید لم پاره پاره
تن خاک آید و بیانه یانه • دو کوب قان ایچلم قان قان

ایدوب

ایدوب تیغ ستمله پاره پاره • قباللم انی عبرت روز کاره
سز اولماسه آیدی انتقامه • ای اغیله کلوب دوشتم دی دامه
دخی برده اله کرم بوفضنت • بونی یلمک کرد عینی غنیمت

زد کردن بدو جواب ایشان و افزودن

رعایتش

دیشلم آیدی اولد ای قوم آگاه • که بومرده امان و پرستد الله
اند هر موینه بیجان فدا در • خود شمن اوله مهمان خدادر
ند کلوا ایلمشلم که ابرام • کلا ای قومده هرگز اولیوب رام
قسم آیدوب دیشلم بوکونه کفتار • اولورسه بر دخی یا ننده تکرار
اوروب تکرار آیده نیک خانمان • قفا سندن برون آیدم زیان
بوسوزدن مکره اولوب قوم مضطر • دیشلم امر امرک انت اجبر
دوشوب پرتده بنده مست و بی تاب • تمام اول کچه اول کون قلشم خواب
نه کندمدن نه عالمدن خبر دادر • نه تاب و نطق نه یار ای کفتار

سلی کردن بدو هلال را از روی محبت

واظرها روذ و الفت

شید ثانی اولوب قوت زیاده • او یانوب چشمی قلم کشاده
نگاه آیدم کوروب بدری مقابل • همان آرز قالدی عقلم اوله زائل

مکر فرمان اولیچ سوي حقده • اولو مرش یار و صادق مرد دوشمن
مراد انسه قضا پرده در مان • لعاب ماری ایلم داروی جان
بدرده دهنتم چون قلدی احساس • خطاب ایدوب دیدی یا اکرم الناس
صفا طردک و دم برنجیده قیلوک • بساط انبساطی جیده قلوک
شرف بخش ایدک ای یار کرامی • و داد بر یولیکه جانلر تائی
ندن دوشندی بوضعف تاروانی • بو عزت بو مشقت بو هولانی
فتی اول دولت و عز و سعادت • فتی بو نجه لواحق بو نجه خست
فتی اول حسن صورت روی رنگین • فتی تاب و توان چشم جهان بین
اید نجه در دینی لطیفه تکین • بر از اسوده اولدی جان و شیرین
بیان ایندم سر امر ماجرای • توجه ایلم حکم قضای
عیال و مال و اولادک زوالین • عظام دنیونیک انتقالین
دیددی غم جگه ای یار وفادار • سپهر دوزدن جگه کسه ازار
بودر بود هر دو نه رسم عادت • که گاه لطف ایلم و کاهی اهانت
نقلب اوزره در دهرد مداری • تلوندر همیشه وضع کاری
چون اولدی عالمک حالاتی توام • که می ذوق و فرح که غصه و غم
کوروب ارباب دانشی بومداری • جهانی قلمی یار اعتباری
که می مهر ایلیوب که انسه کینه • الم جگه سپهرک اید و کینه

هوان یعنی ذلت
و خوار می معناییه
استعمال او بنور

نوکل

نوکل ایلیوب شکر ایله حقده • که الاجر علی قدر المشقه
الم ناک اوله توفیق الهی • سنی بو ستمه چونکم سراحی
بو جمعیت بو اشیا هبه سنگدر • عمر وار سه صرفه مقدمه ماکدر
سنگله اولم بر نجه مدت • او مبد اولدر که حق ایده عنایت
مضامع ماضی دن یک اوله حالک • خلف اوله تلف اولان عبالک
دفع ماجرای قدیم و انعام و احسان کردن
بدر بهلال بیچاره

تختین شکندک اول یوز قدر قان • که شمشیر کله بیزدن اولدی نقصان
اکرمال و اگر جان ای برادر • حلال اولسون سکا چون شیر و مادر بود عوادن
هم اول شب ایدر و ب بر صیده بر پا • سراسر محنتی فرشی ایددی ذیبا بالکلده کجی بویله
متاع خاندن هر نیکسه واری • لباس و فرش و خدام و جواری دوستلق عظیم
اوانی و سلاح و اشتر و خرش • اوساعت جمه سین قلدی ایکی بخش لطف و وعیم
برین اوز منزلنده قلدی ایقا • بر یسین دخی ایددی بیزه اعطا احساندر
مکمل دین ایله بر ماد یانی • کیم ایلمدی فحیل بادوزانی اعمر ابرقیان
اکر لندردی الا تم اید و بینه • خدا ی صیده ده ایدردی بیوند
محبوب بر زره و بر خوب مغفی • بر اعلا نیزه و بر شمشیر و خنجر
دخی بر یوز ایله بر کلب تازی • غزال انداز بر صفی مجازی

این بنیده قاعده
عمده در مقدمه این بنده
نقاره در مقدمه این بنده
واقع اولان قبالای انتقاین
المن ایچ مدت منادی
مرب و و قبال و عد او
واشتغال او رینه
او لور

نقصان او لور
مادر بود عوادن
بالکلده کجی بویله
دوستلق عظیم
لطف و وعیم
احساندر
اعمر ابرقیان
صفتی نهاد و کون قایده
مغز ایلمدی

دخی روز اولیچ سوره

تدارک اید و اول مردیکانه • اوساعت خانم قلای روانه •
 حریمنده وار ایدی ایکی دختر • که هر بریدی بر تابنده اختار
 بری شوخ جهان اسمی حلیمه • بری آشوب جان نامی سلیمه
 هم اول ساعتده واروب منزلینه • حلیمه دستنی الوب الینه
 کتوردی طشره دیدی ای برادر • بودخی امر حقیله ساکه همس
 الم جگه کچی حکم آلهه • یوری وار همس کله خولکاهه
 ایدوب سه دن قرون تعظیم احوال • بنی اول خانیه کوندردی فی الحال
 حلیمه ایله جگه کله خوابگاهه • تعجب ایدرک بخت سیاهه

اشوب یعنی دروغ
 و عوفا مغفایه
 همس یعنی زوجه
 معنایه دروغ

ذکر احوال بروز کارید بگردار و جری کج

چ رفتار
 ینه منصوبه باز نطع افات • برات اوینا ایدی ایدوب عقلی شرمات
 او پر فرزان بن بر لوج ساده • رخینه الدانوب قالد م پیاده
 ینه خنیا کرانده و ماتم • اله الوب رباب محنت و غم
 بکا اولمانه جنک غمده تالف • سراغاز ایدی اهدک مخالف
 این از تله و ازاده از دام • کروب اول قاره ایوده قلدق ارام
 طنوب هر بریمی بر کوشده جا • سکوت ایله او تور دینی بی محاکا
 بدیده تاب یوق درد کلفدن • احبابک قراچی بر طرفدن

برخده مجلس قصه اونته
 سطح معنایه دروغ
 یوده یوزونه الدانوب
 معنایه کاور
 خنیاگر خا و مطر
 نون و فتح یا ایلم
 معنایه دروغ

جگه کله
 معنایه بیچاره

جگه کله کن بود کلو جور و محنت • وصاله یاره کیم ایلمدی رغبت
 بن افراطه المدن مستمد هوش • حیادون غنجه و نش اولدای خاموش
 کجوب یو حال ایله بر نجه سعت • بولوب اولدمده ذرد خواب و صبت
 متاعی هوشنی قلمنی بر بوده • دو شوب افکار ایله اولدم غشوده
 مکم جانانه بده ساقی خواب • شراب نازله قلدقه بیتاب
 ایدراند یسته کیم یوباد پایر • که داغ برشد او بر بات صبا ییر
 اور لم نسه بوش کراهنین قید • کرده دزد دن بیری ایدر صید
 حیادون اثیموب صوتنی اظهار • حجاب ایلم که ایدر خدای بیدار
 الوب بر پای بند اهینتی • و ینه پابند بر حصن خصی
 الینه او همق استرکن بوقایچی • الذده ایکن هفتوز اسبد ایانچی

**بیدار شدن هلال و انداختن و کشتن
 عروس حلیمه را**

دخی اول ماهر و قید یله در کار • بن اولدم خوابدن اول لحظه بیدار
 نگاه انداز اولدم هر کناره • مقید اولدم سوی نگاره
 من به نخت بر کدی دیده دولت • مصیبت دیده الوده نکبت
 کوروب دلدار یی صاندم در دلی آ • کشاده ماد یانه اولدی در کار
 اولوب بر پامکاندن نهایی • اله الدم کنان جانستایی

بر کرده یعنی
 دو غش معنایه
 استعمال

ایدوب پهلوی جانی نشانه • • • المذن نیزه یه قلمم روانه
 ایرنجه نیزه پشت دگر بایه • • • هان غلطیه اولدی زیر پایه
 سکر دوب خشمیده قلمم نظاره • • • که کیمه رجان ویرن ایابو کاره
 سخن کوردیم طپان اول رشک ماهی • • • شفق کون قان ایچنده همجو ماهی
 نشان ایدم سپهری تیری آه • • • بویادم عالی دود سیاهه •
 کربانم ایدوب و اماندک جاگ • • • صاوردم باشیمه دنیا قهر خاک
 زبانم لال اولوب دلمسته اولدم • • • کیدوب عقل و شعورم خسته اولدم
 الوب اهل انی سبلا ب حیرت • • • بنی غرق ایلدی کرداب حیرت
 دیدم ای بد بخت بد فرجامم برخم • • • ندر بو تاززه تاززه زخم پر زخم
 المذن ای سپهر و از کون داد • • • بی اندر نی ندر بو ظلم و بیداد
 ندر کورتر دکلا بو صورت قهر • • • بیای صوند غاک پیمان زهر
 ایدوب افر و خسته بیک قانوداغی • • • کل ایدیک غنچه اولمش بیک جراحی
 یکنتم میدی اول قلد یغلا نای • • • که یا قدک بویله بر آتله تکهار
 یکنتم میدی اول جور و جدای • • • که ویردیک نوبنودرد و بلای
 بو قومک یوزنیه بن بختی قاره • • • نه کوزله ایلیم بر دم نظاره
 کل ای یغما کر مکله ایتمه اهل • • • ثوابم قصه ایلد جانمی آل
 ایدوب بو طرز ایلد فریاد و ناله • • • کم ایدوب کندوی دوشدم خیاله

ایراده

ایراده ایلدم کندو هلاکم • • • که دلوار ایلد بر اولم مغاکم
 بنه خوف ایلدم قهر خدا دن • • • ایدوب اندیشه فر دای جزادن
 الوب باشم طوتوب راه بیابان • • • حکلمم بر یکانا لان و کریان
اکاه شدن بد از مردن دخترش و رفتن
دخترش در بی طلال و آوردن او را
 سهر بیدار اولوب بدرد لاور • • • دیمنی خاتونینه کای نیک اختر
 سبک براب کرم ایلد مرهبا • • • هلال ایچون دخی بر بیدله سرپا
 دخی برنجه اشتر ایلد قربان • • • مرهبا ایلد وافر نعمت و نان
 ایدوب نجح اهلینی بالجماله دعوت • • • هلاله ایدمه لم سرور و ضایقت
 دوروب خاتون اودم بر حسب زمان • • • صوبیز در منی نیزه بر ایکی قرغان
 کلور کم دخترینی ایدمه بیدار • • • دیه کم غل ایچون صوانتم احضار
 کورهر کم دختری جون شایخ مرجان • • • بویانوب قانه اولمش خاکه غلطان
 بنه دلدن جکوب بر ناله زار • • • ایدر نجح اهلینی دهنده بیدار
 دوروب خشمیده هر کس خوب بگردن • • • خیال ایلر که با صدی نجحی دوشمن
 قبان تیغین روان اولمش صدایه • • • یغلمنی خاص و عای برارایه
 کوروب اول مهره شی افکنده خاک • • • جکوب جماله یفا سین ایلمش جاگ

تکمه پیل سخن

ایدوب بدره زبان طعنی در کار • دیمش قانی اول دزد ستمکار •
 قدیمی دو شتی یا اوله صاندک • ضنون و مکر نیز فی الحال ایناندک
 براندک بویله در تی تیره خاکه • انکله اول قیزی و پر دیک هلاکه
 اندر اندیشه بدر پر ملاحظت • که قصه ایله دکلی بویله قیاحت
خاموش کردن بدر اهل قبیلہ را با اندیشه

خود

دیمش ای قوم اولک بر لحظه خاموش • بونی قصه یله ایتمز مرد یا هوش
 هلال ایتمز بو فعل زشتی عودا • قبول ایتمز بونای مرد قطعاً •
 اگر بر قصه ایله ایتمز ایفی • الوردی اسب و تیغ و ماد یانی
 پیاده اولمز ایدی عازم و راه • کیم ایدم امر تعقیبندہ اقدام
 فغان ایتمک ایدی بر لحظه آرام • سلاح و اسبی ده ایلر دی همراه •
 یا قتل ایدم یا ایدم بونده احفار • اوله سز مقتضی هر نپسه در کار
 دیمش اوله لم بزوغی همراه • مباد اوله سن سیر کرده مگراه •
 بیایم ک قیل سار انده رفاقت • بو علتدن بکایوقدر افاقت
 دیمش بو امره بن قلدوم تکفل • ایدی سیز بونده بر ساعت تحمل

تعقیب کردن بدر هلال را

سوار اولوب الورد کینه نیزه • ایشارت ایلر اسب تند خیزه

صبا

مرا کرده خطا واقع اولوب ایشارت قیاسی او قریب معروضه

مباد

صبار قمار اولوب تلجا بشت دردی • ارا فی بردم ایجره ایلر دی طی •
 دونوب بنده کرو قلدوم نظاره • قبح بدری کلور کور دم سواره •
 غضبندن عارضی کلناره دوش • وجودی مشتعل بر ناره دوش
 توقف ایدوب اولدم دسز بسته • ضعیف و ناتوان و زار و خسته
 ینه نزم ایلیوب بدر کرای • مقابل اولیجی ویردی سلای

عتاب کردن بدر هلال را

دیددی ای مهمان سنت تدبیر • سبب تولدی که قلدوک بویله شکیب
 مکر تقصیر قلدی اهل خانه • که تو بدک خانیم حقدک بیان •
 نه وضع ناموافق قلدی تربیب • که لازم کلدی اهل بیت نادیب •
 قوناغک الیه ایسه اختیاری • و داع ایتمکده اولدی رسم جاری
 عجب بزود نه تقصیر اولدی صادر • که ترک ایدوب بزوی اولدک مسافر

عذر خواستن هلال و شکایت از طالع

ناسا خود

دیدم ای مردم چشم چشم مردوم • مضاعف ایلمه دزد او زره در دم
 بنی الله ایچون سویلمه اولدوم • بو کوندن بویله با که انفع اولدوم
 کیدر بندن حیات مستعاری • یتر جکدم جفای روز کاری •
 او صاندم بو جهان بیوفادن • بنی اولدر خلاص ایله جفادن

مهیا قلدن بر زحمه مرهم • اید بر زحم نو که نینه در هم •
 قوماز یا ندر مدن زحم اوزره تاکی • بو محنت تاکی بوزحم تاکی •
 بدر کوش ایله دی جون بو خطایی • کشاده قلیوب باب عتایی •
 دیدی بیک لطف ایله ای یار دیرین • بودر جون سر نوشتک اوله غمگین •
 بیان ایله ندر باعث بو حاله • ندن اول ماه میل انیدی زواله •
 کنوردن ما جهای هب بیانه • یسار آتش اولوب جگدم زمانه •
 بیزه بخت سیاه انیدو کی کنیدی • هجوم خوابی واحوال قیدی •
نوازش کردن بدر هلال را و عودت کردن

اول

دیدی مرآت قلبک ایتمه مغیر • بوانلمش تا از لدن جون مقیر •
 عتاب ایتمز بوراده اخیاره • ندر جاره قضای کرد کاره •
 شفای صد رو بر مر ناله و آه • قضا بولدی برین الحکم الله •
 ایدوب لطف کرمله نینه اسعار • خوف ابرام ایله دی تا انیدی ارداف •
 الوب دوندی نینه اوز منز یلینه • قریب اولوب سر انیدی فولکرینه •
 دیدی هر کم ایدر قریاد و افغان • بو تیغی ایلم جمنده پنهان •
 همان تنه ایدک اهلی حریمه • مهیا ایدله بر خوش ولیمه •
عروسی کردن بدر و تزویج هلال هبیره دختر مرده

اسعار یعنی یاری دم
 اتمک معنی
 ارداف یعنی یولوش
 اتمک معنی

نینه

نینه امر ایله دی بر عهد اول • مهیا اوله سروقتم مکمل •
 کورتوب دختری دفن انیدی خاکه • قودی اوله کوهی درج مغاکه •
 پس احضار انیدر و بعود و ربایی • عمارت قلدی دلرهای جزایی •
 جمیعاً اهل نجی قلدی دعوت • مهیا انیدی بر عالی نییافت •
 او کون تا شام اولوب ذوق و صحبت • برای شیون اولدی دایر عشرت •
زفاف کردن هلال با دختر بدر نامه در کلمه نام
 کیمه کم بو عروس کند روسی • مهیا قلدی اسباب عروسی •
 مهلک زرمشعلن ایدوب فروزان • قنادیل نجوی انیدی کوزان •
 چراغان ایلیوب سقف سمایی • قر نوریله دولدردی قضای •
 حر مکاهه کروب بدر دیلاور • نینه خاتونینه قلمش مقیر •
 که ارایش و پروب اول دخترینی • مرتب ایدیه زیب و زبورینی •
 عروسیک لباس ایدیه الباس • کورتوروب خانمه انیدی اجلاس •
 همان خاتون دخی بر وفق فرمان • قیام امر ایدر بر حسب امکان •
 اودمکم حافظ اولمش کار دختر • طنوب دستم همان بدر دیلاور •
 دیدی خلا و وعالم ای برادر • سلیمایه سکا قلمش مقیر •
 وار ایددی عشرت ایت اوز منز بلکه • حضور قلب ایله اول عالمکده •
 دوروب بنده اضی انیدم غم خانه • یا نجه اولدی بنج اهلی روانه •

9
 الوب اطرافی شمع ایله اولاد • اوکجه نغمه زن برنجده نشاد •
 کتوردیلر بنی دار زقافه • قاوشدم اول در درج عفاقم •
 الوب رویندن اول کلکون دواغن • تماشایله دم رخساری بعن •
 نه کورسم برکل و باغ و لطافت • تمامی عشوه سر تا پای افت •
 غم پیشینه اولوب حسنی غالب • عذاریه عذارم اولدی سالب •
 هجوم حسن اولوب صبر و قیام • رها قلام عنان و اختیارم •
 ایدوب اعجاب بخت بد شگون • دو شندم کردش کردون دون •
 دیدم ایضا لمیده بو با خواب • نه اول کرداب نه بودر شب تاب •
 سوروب بازهر زهری بر قد حله • بودم کرد غمی اشک فر حله •
 کوکلدن آتش مهر ایلوب چوش • جکوب اول مهروشی قلام در اغوش •
 جفا تیغیاله جون اولمشدی در هم • صاروب قلام تن مجروحه مرهم •
 ایدوب تکین کوزدل لبتون • هیات آیدنه قاندم غنجنه دن •
 جکوب نوش ایلدم جام وصالی • اونوتدم ماسلف در دو ملالی •
 مگر کم جوش ایدوب دریای رحمت • ایر شمشیر آخره ایام نکبت •
 سعادت یوز طوب طالع اولوب یار • اوساعده نهایت بولش ادبار •
اجتماع بوده هلال باد ختری بذر وزادن
دختر توام از هلال

نشاد یعنی نشاد
 ایدوبی مثل لامه
 وقصده او قوی بی
 دیگه

هان

هان اول شب سلمه اولدی حامل • زمان حملی اولدی چونکه کامل •
 طوغوردی بر شکمه ایکی اوغلان • نه اوغلان هر بری بر در عطلان •
 اولوب کوندن کونه حاکم فراهم • دو غوردی مادیا تم دخی توام •
 مرور ایله جوغلدی اشترانم • نعتد بولدی اسب و مادیا تم •
 خرید ایتدم نه نخر پرستار • بش او ن زنگی غلام و نیک وار •
 جوغلدی کون بکون مال و منالم • ترقی بولدی اولاد و عیالم •
 بغلدی با شمه بر خیل اعراب • فراهم اولدی وافر اهل و اصحاب •
 هزاران حمد و لطف و لایزاله • بتوردی بنده کنینه بو حاله •
 بو کوفه حاکم بودر منت خدایه • که بوقدر حاجتم بای و کدایه •
 اجلدی قالمدی بر عقده سخت • سیه بخت اولدی بر کونده نکو بخت •
 اگر مفتوح ایسه چشم بصیرت • ایشیدرک حامی ال ایدی عبرت •
 ایکی کونلک جفا دن اولمه مضطر • زمان بر حاله قالمز ای برادر •
 فلا تحب الایاکم العین • تجلی الله فی حال زمانین •
 ایکی ساعتده صانمه ای زوالی • خدا بر حال ایله ایلر تجلی •
 فلا تحزن بایان البلیه • وللرحمن الطاق و علیه •
 بلا ده بیج و تابه مالله جانی • خدانلک وار چون لطف نهانی

خاتمه

دستابش وزیر عظیم آصف مصاحب پاشا

بیرکای پیرافسانه کوی • سوزک قلمادی چونکم برنگ بوی
 سوز اولسه فی المثال که در شتاب • **ینه بی قیمت ایاری اطناب**
 شهبانه جوق سوزی قلمه بهانه • بهانه بوی لطف شهبانه
 الهه الخامه عنبر فشانی • **بیاضه جک بو نظم دلسانی**
 بویرک سبزی چون باد سبکیز • **در محذومه ایله دست اوین**
 نه محذوم اول وزیر پاک سیرت • **ضیای مردم چشم و بصیرت**
 یکانه مظهر لطف و الهی • **انیس بزم خاص پادشاهی**
 در دریای دانش کان عرفان • **کزید نوبرستان عرفان**
 وزیر بی نظری شهر یاری • **فروزان مهر اوج کامکاری**
 محامه پشه محمود الخصال • **مصاحب مصطفی پاشا عابدیل**
 کل مدبرک کلزار فتوت • **در صد جان بهای بحر حکمت**
 ستمن صولت و بزم شیعت • **ارسطو دانش و اصف درایت**
 شهباسن سین بوکون اول جوهر فرد • **که متلک کورمدی چشم همانکرد**
 تجسوس ایلام جوق بو حسره • **نظیرک کورمدی نوع بشرده**
 او طبع پاک اول شری کلام • **کوروب بی اختیار اولدم غلامک**

غلامک

غلامک اولدم اولدم میر عالم • **یوغ ایکن عزتم اولدم مکرتم**
 بی محسود و اقران ایدی لطفک • **ببی مشهور و دوران ایدی لطفک**
 غلامک اوله بی مقبولی دهرم • **کلوی ناکسانه جام زهرم**
 او دکلو ایله انعام و احسان • **که رشک ایدی بکایر نخ نادان**
 برایکی یاده کوی زار خایک • **هزردن دم اوران هرزه درایک**
 او زون کامل صانوز بی عقل و هوشتک • **که رظنیله خر مزده فروشتک**
 بو بازار کوروب اولدی مشوش • **دکان شربتینه دوشتی آتش**
 دماغ خشتک ایدوب سودا نه فاکه • **مناجی اولدی بازار ایچره کاسه**
 ند کلوجله السه گرم شتاب • **طلوع زکرا ایله انی نایاب**
 کلور خفاشی شرجوش و خروشه • **کوشنی جفی کیر کوشوخ موشه**
 شهبابو بر اوج الماسی ریزه • **که خصمک بغیر ایدی ریزه ریزه**
 دملدن کسب قلدی آب و تابی • **بوکانک طلعتکدر افتابی**
 سوزم جان بولدی اعجازد مکه • **دل اباد اولدی فیض مقد مکه**
 بونادر عقده در کس ندیده • **که خاک در کهاکون اولدی حیده**
 وجوده کلدی فیض را فتکون • **بو آب و تابی بولدی شفقنکون**
 بی کویا ایدن فیض دملدر • **هزرجامک دکل بلکه جملدر**
 هزاره لطفکدر زاره باعث • **شکر در طوطیه گفتاره باعث**

غلامک

کتابخانه سلیمانیه

کتابخانه سلیمانیه
کتابخانه سلیمانیه

• بنی اول هجوم و غصه و غم • • زبانم بغلیوب قلندری ابکم •
 • یوغ ایکن طاقتم حسن بیانه • بحمد الله ینه کلام زبان •
 • بوکونیدن بوباله و صفای شعارم • ثنای ذات پاکه اختیارم •
 • مدیحک ایلام اوراده منظم • اومیده اولدرکه لطفک اولمکم •
 • اگرجه حسن خلقک کلبتانی • کتورمش بریره بیک مدح خوانی •
 • وی **سای** زار آنسه تکلم • هزار اولسه هزار ایتیم ترتم •
 • اگر تیم مست اولوب جام فادان • جگم زسم بزماه عنادان •
 • همینه ثبت ایدم اوصا و ذاتک • جهانه نشر ایدم حسن صفاتک •
 • ایدم نام شریفک دهره اعلام • قیلم سر لوحه دیوان اتام •
 • بورنگین داستان بونظم فایتی • دکلهر بشکاهه کرجه لایتی •
 • وی بسط ایتدن بوخ کلاهی •
 • غرضدر کاهدر عرض غلاهی •

ختم هذه المنظومة مصليا خیر خلقه محمد
 والله وصحبه اجمعین امین
 یا رب العالمین

۱۱۵۱

بواسطه دالتی شریف
 بو تار یخده کوراندن عبد عاجنی
 فاخته نرغ اودورسه الله تعالی کولانه شفا عنده مظهر ایلیم

SOLEYMANIYE C. 1700 M	
Yerli	Esad Ef.
Yer	It
Em	100
T	2515

کتابخانه سلیمانیه